

# نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها  
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

## یادداشت سیاسی

مهدی سامح



### به نام انتخابات: برآمد یک کوتوله سیاسی

### به کام ولی فقیه: یکدست شدن صوری حکومت

سرانجام بر بستری از توطئه، تقلب و عوامفریبی روز جمعه ۳ تیرماه دور دوم انتخابات نمایشی برگزار شد و یک کوتوله سیاسی در جدال با پدرخوانده مافیای ثروت و قدرت به سمت تدارکچی ولایت خامنه ای «انتخاب» شد.

پاسدار محمود احمدی نژاد که اکنون شهردار تهران است قبلاً ۸ سال استاندار اردبیل بوده است. او گذشته ای درخشان در سرکوب و چماق‌داری دارد. وی از اعضای اولیه دفتر تحکیم وحدت و در زمره طراحان اشغال سفارت آمریکا در تهران بوده است. او از دژخیمانی است که شخصاً به بسیاری از زندانیان سیاسی تیر خلاص زده و مجری اصلی قتل دکتر کاظم سامی می باشد. احمدی نژاد فرماندهی تیمی را بر عهده داشت که مسئولیت اجرای فتوای ضد اسلامی و ضد انسانی قتل سلمان رشدی را بر عهده داشت.

بقیه در صفحه ۲

عکس: نیک کوثر، کوریه اترناسیونال ۲۲ ژوئن

## سرمقاله

### انتخابات، چه کسی کجاست

صفحه ۳

### چالشها و رویدادهای جنبش کارگران و

### مزدبگیران در خرداد ماه

صفحه ۴

### جهان در آینه مرور

صفحه ۷

### نه به قانون اساسی اروپا، آری به ...

صفحه ۹

### رویدادهای هنری

صفحه ۱۳

صفحه ۲۰



### زنان و انتخابات نمایشی

صفحه ۱۱

### زنان در مسیر رهایی

صفحه ۱۲

#### توضیح

این شماره نبرد خلق به دلیل همزمانی با نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری در ایران با تاخیر ۵ روز منتشر شد. علت آن درج آخرین موضع گیری سازمان بود. تمامی مطالب به جز یادداشت سیاسی به تاریخ قبل از اول تیر نوشته شده است.

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

پیروزی احمدی نژاد گرچه برای بسیاری غیر مترقبه بود، اما گردانندگان نشریاتی مثل کیهان شریعتمداری، یا لئارات ارگان انصار حزب الله و پرتو سخن وابسته به ایت الله مصباح قبل از برگزاری این نمایش انتخاباتی به قاطعیت اعلام کرده بودند که نماینده حزب الله و فرزند «مستضعفان» پیروز این انتخابات است.

در توصیف احمدی نژاد و فضائل وی، هاشمی رفسنجانی در پیامی که پس از معلوم شدن نتیجه رای گیری روز ۲۷ خرداد انتشار داد او را به طور غیر مستقیم کسی می داند که: «امروز پوستین اسلام را وارونه پوشیده و ریاکارانه به فریبکاری مشغول است و اصرار دارد که افکار معیوب خود را به جای معارف اصیل اسلام به دیگران تحمیل کند.»

قبل از انجام دور اول انتخابات حتی حزب مؤتلفه اسلامی که کاندیدایش علی لاریجانی بود، در مورد پیروزی یکی از کاندیداهای وابسته به بیت رهبری در شک و تردید بود. هفته نامه شما، ارگان مؤتلفه در شماره روز جمعه ۲۷ خرداد ۱۳۸۴ نوشت: «غصه ای که در اثر از دست دادن این فرصت برای ملت پیش می آید چهار سال طول خواهد کشید و باید مسئولیت همه مشکلات، گرفتاریها و ناکامیهای ناشی از این فرصت سوزی را پذیرفت.» شما در ادامه نوشته است که: «اگر به علت تعدد نامزدها شکستی ولو در دور اول متوجه اصولگرایان شود قطعاً انگشت شماتت به سوی کسانی نشانه خواهد رفت که به رغم اطلاع از نظر سنجیهای واقعی که بر آرا اندک آنها گواهی می داد باز هم بر حضور خود تاکید داشته و شکست اصولگرایان را امضا کردند.»

اکنون این انصار حزب الله است که باید پدربزرگها را نصیحت و شماتت کند که نتوانستند از نیت واقعی خامنه ای باخبر باشند.

خامنه ای طی چند مانور فریبنده و با تدارکی از قبل انجام شده، همه ی دارو دسته های درون بیتش را به سود انصار حزب الله کنار گذاشت و بدین ترتیب اکنون در سیمای ولایت خامنه ای این انصار حزب الله است که می درخشند و گروههایی مثل مؤتلفه و یا مدرسین حوزه قم باید در مقابل چاقوکش پیروز عمامه و کلاه خود را به احترام بردارند.



انصار حزب الله در شکل جدید آن از درون بی مایگی و حقارت اصلاح طلبان حکومتی شکل گرفت و با کمک رانتهای حکومتی و البته حمله به عراق و اشغال این کشور به نیرویی از نظر صوری مسلط در ولایت خامنه ای تبدیل شد.

گذری کوتاه بر رویدادهایی که منجر به پیروزی احمدی نژاد شد برای درک تحولات آتی مفید است. شامگاه روز یکشنبه اول خرداد ۱۳۸۴ شورای دست نشانده ولی فقیه موسوم به «شورای نگهبان قانون اساسی» نتیجه ارزیابی صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری را اعلام کرد که طبق آن، تنها شش نفر شامل محمود احمدی نژاد، علی لاریجانی، محسن رضایی، محمدباقر قالیباف، مهدی کروبی و اکبر هاشمی رفسنجانی، تأیید صلاحیت و بیش از یک هزار نفر، به شمول مصطفی معین، محسن مهرعلیزاده و ابراهیم یزدی رد صلاحیت شدند. این تصمیم آگاهانه شورای نگهبان برای حذف کاندیدای جبهه مشارکت با مخالفت جدی بعضی از جناحهای حکومتی و اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا قرار گرفت.

روز دوشنبه ۲ خرداد ولی فقیه نظام به شورای نگهبان تحت امر خود دستور داد که «نسبت به اعلام صلاحیت آقایان دکتر مصطفی معین و مهندس مهرعلیزاده تجدید نظر صورت گیرد.» شورای نگهبان بلافاصله به دستور ولی نعمت خود گردن نهاد و با نقشه خامنه ای همراه شد.

آیت الله خامنه ای با این «حکم حکومتی» توپ را به زمین اصلاح طلبان قلابی پرتاب کرد. خامنه ای با شناختی که از بی بته بودن دار و دسته موسوم به اصلاح طلبان دولتی داشت، یک گام به عقب برداشت تا دو گام به جلو بگذارد. در مقابل چنین حکم حکومتی مصطفی معین که قبلاً اعلام کرده بود که با «حکم حکومتی» مخالف است، در مقابل این تصمیم قرار گرفت که با همچون سید محمد خاتمی راه تسلیم و سرسپردگی را برگزیند و یا راه پایداری بر عهد و

قراری که اعلام کرده بود.

رئیس ستاد انتخاباتی مصطفی معین در نخستین واکنش خود حکم حکومتی را اقدامی فراقانونی تلقی نکرد و گفت: «از هر اقدام قانونی در همه حال در جهت اصلاح امور» استقبال می کنند. الهه کولایی، سخنگوی ستاد انتخاباتی معین نیز در جملاتی مشابه گفت که معین و حامیانش از «هر اقدام قانونی برای تقویت موازین قانونی در کشور» استقبال می کنند.

محمد باقر قالیباف ۱۴ درصد مصطفی معین ۱۴ درصد علی لاریجانی ۶٫۶ درصد محسن مهرعلیزاده ۴ درصد بدین ترتیب بر اساس آمار دولتی از ۴۶ میلیون و ۷۸۶ هزار و ۴۱۸ تن صاحب حق رای ۶۲٫۷ درصد به پای صندوقهای رای رفته اند که اندکی بیش از ۶۰ درصد رای به کاندیدای اعلام شده داده اند.

محمد خاتمی در اطلاعیه ای دستور ولی فقیه نظام را «تدبیری بجا» دانست که از «اشتباهی که می توانست منشأ خسارت کشور و نظام شود» جلوگیری کرد. بالاخره مصطفی معین روز پنجشنبه ۵ خرداد برای شرکت در این انتخابات نمایشی اعلام آمادگی کرد و با همین اقدام یک امتیاز بزرگ به ولی فقیه داد و همزمان و با تصمیم خود شکستش را رقم زد.

روز جمعه ۲۷ خرداد انتخابات نمایشی برگزار شد. سپاه پاسداران و نیروی بسیج با حداکثر نیرو برای تغییر موازنه قوای واقعی وارد عمل شدند. در حالی که تحریم با قوت پیش می رفت، رژیم با ازدحام در چند حوزه اخذ رای (برای مثال در حوزه حسینه ارشاد) و با کمک اصلاح طلبان قلابی، به فریب رسانه های خارجی پرداخت. و سرانجام با یک دروغ آشکار از شرکت حدود ۲۹ میلیون ایرانی در انتخابات خبر داد. در آغاز روز یکشنبه ۲۹ خرداد ستاد انتخابات وزارت کشور نتیجه رای گیری را اعلام کرد.

بر اساس این آمار جمع کل آرای مأخوذه ۲۹ میلیون و ۳۱۷ هزار و ۴۲ رای، تعداد برگه های باطله مأخوذه ۱ میلیون و ۲۲۱ هزار و ۹۴۰ رای و بنابراین ۲۸ میلیون ۹۵ هزار و ۱۰۲ رای به نفع ۷ کاندیدا به صندوقها ریخته شده است

نسبت آرای هر یک از کاندیداها به کل آرای مفید به قرار زیر است.

اکبر هاشمی بهرمانی ۲۲ درصد

محمود احمدی نژاد ۲۰ درصد

مهدی کروبی اندکی کمتر از ۲۰ درصد

محمد باقر قالیباف ۱۴ درصد

مصطفی معین ۱۴ درصد

علی لاریجانی ۶٫۶ درصد

محسن مهرعلیزاده ۴ درصد

بدین ترتیب بر اساس آمار دولتی از ۴۶ میلیون و ۷۸۶ هزار و ۴۱۸ تن صاحب حق رای ۶۲٫۷ درصد به پای صندوقهای رای رفته اند که اندکی بیش از ۶۰ درصد رای به کاندیدای اعلام شده داده اند.

بلافاصله پس از این نمایش سراسر خدعه و فریب، ولی فقیه نظام که از آش خود پخته اش خبر داشت طی پیامی از حماسه دیگر یاد کرد و گفت: «رای شما که در صندوق رای ریخته شد، پیش از هر چیز، رای به جمهوری اسلامی، رای به استقلال ملی، رای به قانون اساسی، رای به پیشرفت و عدالت و آرمانهای اسلامی است که در آن، دین و دنیای مردم و رفاه و معنویت عمومی، و عزت و افتخار ملی تامین خواهد شد.»

در این حرف خامنه ای که «هر رای ریخته شده در صندوقها، رای به جمهوری اسلامی است» حقیقتی نهفته که باید مورد توجه مبلغان شرکت در این نمایش انتخاباتی که خود را اپوزیسیون می داند قرار گیرد.

تقلب در این نمایش انتخاباتی و رقم سازیهای میلیونی آن قدر آشکار و علنی صورت گرفت که صدای خودیها هم در آمد. در تمام انتخابات جمهوری اسلامی در مورد تعداد شرکت کنندگان رقم سازی صورت گرفته و در آخرین آن هم چنین رقم سازی صورت گرفت. اما در این دوره برای اولین بار در مورد نسبت آرای ۷ کاندیدای مورد تأیید شورای نگهبان تقلب آشکار صورت گرفت و همین موضوع با اعتراض معین و کروبی روبرو شد.

کروبی طی نامه ای به خامنه ای خواستار رسیدگی به تقلبهای صورت گرفته شد. کروبی البته بهتر از هر کس دیگر می دانست و می داند که همه ی جعل و تقلب و تزویری که صورت گرفته به دستور خامنه ای بوده است. خامنه ای در پاسخ به درخواست کروبی، طی پیامی شفاهی او را ملامت می کند و می گوید: «به آقای کروبی بگویید: من رؤس مطالب شما را نگاه کردم، مطالبی که شما گفتید به کلی دور از شأن شما و در جهت ایجاد بحران در کشور است. آیا متوجه هستید که چکار دارید می کنید؟ آیا متوجه هستید که ایجاد بحران و بدین کردن مردم کاملاً در جهت خواست دشمنانی است که خیز برداشته اند برای اینکه بلایی بر سر انقلاب و نظام جمهوری اسلامی دریاورند که همه شما را دربرخواهد گرفت. اگر اعتراض به انتخابات دارید مگر راه قانونی وجود ندارد؟ چرا فضا را خراب می کنید؟ ممکن است دیگران نیز اعتراضات مشابه داشته باشند. آیا حق می دهید آنان فردا همه چیز را زیر سؤال ببرند، من از شما مطلقاً انتظار چنین برخوردی ندارم و من به حول و قوه الهی نخواهم

بقیه در صفحه ۳

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۲

گذاشت افرادی در کشور بحران ایجاد کنند.»

خامنه ای پس از این پیغام تهدید آمیز، کربوبی را به بیت خود فرا می خواند تا در ملاقات حضوری نیز کربوبی را که روزی در مقام ریاست مجلس ارتجاع از حکم حکومتی دفاع کرده بود را سر جایش بنشانند.

کربوبی در مورد ملاقات با خامنه ای می گوید: «بعد از آن نامه ای من که منتشر شد، آقای وحید از دفتر آیت الله خامنه ای تماس گرفتند که شما بیابید که آقا می خواهند شما را ببینند که ما رفتیم و جلسه بسیار خوبی بود و ایشان محبت کردند و مسائلی مطرح کردند. من در این دیدار گفتیم که سپاه و بسیج این کارها را کردند و ایشان گفتند که من سفارشها را کرده بودم و رای من را به هیچ وجه هیچکس نمی داند و من هم گفتم که قم و تهران باید باز شمارش شود و البته من شکایت کرده ام ولی شورای نگهبان متهم و وزارت کشور هم منفعل است و نمی توانند کاری کنند و عرض ما به اینجا رسید.»

کربوبی در نامه خود به ولی فقیه وی را مورد خطاب قرار داده و می گوید: «خباری مبنی بر حمایت فرزند محترم شما - آقا سید مجتبی - از یکی از کاندیداها منتشر شد که پس از به تواتر رسیدن این اخبار نگران شدم که مبدا این موضوع مرتبط با دیدگاه حضرتعالی باشد اما تجربیات سابق و شناختی که از شما داشتم مرا مطمئن کرد که این موضوع نظر شخصی ایشان است.» وی که در ابتدا دخالت مستقیم خامنه ای را لاپوشانی می کند می گوید: «حضرتعالی در پیام شفاهی خود برای اینجانب اعلام فرموده اید اجازه بحران سازی در کشور نخواهید داد و من معتقدم بحران ناشی از دخالتهای نابجا در انتخابات خطرناکترین بحرانی است که امروز و آینده کشور را تهدید می کند.» وی به خامنه ای اعلام می کند که «از کلیه مسئولیتهای سیاسی از جمله مشاورت حضرتعالی و عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام استعفا می دهم.» کربوبی البته طی چند اظهار نظر دیگر بر مخدوش بودن نتایج انتخابات و رقم سازی در آن تاکید می کند.

روز سه شنبه ۳۱ خرداد کربوبی طی یک کنفرانس مطبوعاتی به بخشی از رقم سازیها اشاره کرد. کربوبی گفت: «معین در اصفهان ۱۹۲ هزار رای آورده در حالیکه احمدی نژاد ۸۰۱ هزار رای آورده و این در حالی است که همه می دانند در اصفهان اکثریت، نیروهای چپ هستند..... من

تشکیلات هماهنگ با بسیج در اصفهان را می شناسم.»

کربوبی در ادامه گفت: «از این عجیبتر این که در استان خراسان جنوبی و بیرجند، ستاد ما در آنجا فعال بود و در آنجا ۱۲۷۰۲۷۰ واجد شرایط وجود داشت که ۲۹۸۰۰۰ رای ریخته شده است. من و هاشمی ۳۷ هزار رای داشته ایم و معین ۲۷ هزار و تنها احمدی نژاد رای بالایی دارد که احتمالاً فرشته های آسمانی به صندوق ها رای ریخته اند.»

کربوبی در پایان گفت: «این انتخاباتی است که با شور و نشاط، دولت کریمه اصلاحات با نظارت شورای نگهبان انجام داده است و به قول شیخ رومی این چنین شیرینی خدا هم نافریند! ... این انتخابات یکی از تاریک ترین و سیاه ترین پرونده های است که برای خاتمی ماند، پس این انتخابات کاملاً غیر عادی است.»

مصطفی معین طی بیانیه ای که پس از اعلام نتایج انتخابات صادر کرد از «جهت گیری خاص و سازمان یافته ای که سلامت این انتخابات را هدف قرار داد» پرده بر می دارد و اعلام می کند که: «هرکس می تواند به روشنی اثر این دخالت سازماندهی شده را در نتیجه انتخابات ببیند.» وی در بیانیه خود به «سازماندهی یک شبه نظامی و استفاده از شبکه نظارتی جهت دار و گسترده» می پردازد و می گوید: «آن چه به وقوع پیوست، اقدامی غیرقانونی برای محروم کردن یک کاندیدا از حق خود و بر کشیدن کاندیدایی دیگر بود.»

هاشمی رفسنجانی پس از معلوم شدن نتیجه شمارش آرا در پیامی گفت: «رای شما در مرحله نخست و پراکندگی محسوس آرای نامزدهای محترم، نشان داد که ملت ایران معتقد است با سلیقه سیاسی واحد، نمی توان کشور را اداره کرد. ایجاد ائتلافی ملی و برقراری آشتی فراگیر برای تاسیس دولت، هم اکنون یک ضرورت گریز ناپذیر است و در این ائتلاف همه معتقدان به اسلام، نظام و آزادی و استقلال می توانند حضور یابند.»

بر اساس نتایج اعلام شده، هاشمی رفسنجانی و محمود احمدی نژاد وارد مرحله دوم شدند و روز جمعه ۳ خرداد مرحله دوم انتخابات به اجرا در آمد.

هاشمی رفسنجانی با شعار «ایجاد ائتلافی ملی و برقراری آشتی فراگیر» که فقط شامل «معتقدان به اسلام، نظام و آزادی و استقلال» می شود وارد دور دوم شد.

دور دوم این نمایش انتخاباتی نیز همراه با تقلب و فریب به پایان رسید و در اولین ساعات روز شنبه ۴ خرداد نتیجه نهایی شمارش آرای مرحله دوم نهمین انتخابات اعلام شد.

بر اساس آمار اعلام شده از سوی وزارت کشور محمود احمدی نژاد با حدود ۱۷

میلیون رای پیروز و هاشمی رفسنجانی با حدود ۱۰ میلیون بازنده این جدال اعلام شد. پیروزی احمدی نژاد و اعلام رقم دروغ ۱۷ میلیون رای به او، دیگر جای تردیدی باقی نگذاشت که بزرگترین دروغ، تقلب و فریب در این دور از انتخابات در جمهوری اسلامی صورت گرفته است. ابعاد این تقلب آن قدر عظیم است که رفسنجانی چاره ندارد که در پیام شکست خود بگوید: «بنا ندارم که در مورد انتخابات، شکایت به داورانی که نشان دادند نمی خواهند یا نمی توانند کاری بکنند ببرم و شکایت خود را فقط همانند مورد قبل در دادگاه عدل الهی مطرح می کنم.» او در همین پیام از این که طرف مقابل «به گونه ای بی سابقه با هزینه های دهها میلیاردی از بیت المال» و «با استفاده زیاد از امکانات نظام به صورت سازماندهی شده و نامشروع» وارد این جدال شده پرده برمی دارد.

خامنه ای که پروژه شکست خورده ۸ سال قبلش برای یکدست کردن حکومت اینک متحقق شده در پیام خود بار دیگر «عظمت خود» به رخ رقبا کشید و بر «عزم راسخ خود» برای «حراست شجاعانه از منافع کشور و نظام جمهوری اسلامی» تاکید کرد. اما این عظمتی که خامنه ای به آن می بالد برایش هزینه های سنگینی به همراه دارد. خامنه ای با یکدست کردن ولایتش در صدد است تا از حربه سرکوب در داخل و استفاده از فرصت عراق و چانه زنی در سطح بین المللی برای تثبیت موقعیت نظام در سطح داخلی و بین المللی خیز بردارد. در محاسبه خامنه ای برای استفاده از فرصت عراق واقع بینیهایی وجود دارد. اما محاسبه او در مورد مهار جنبش آزادیخواهان مردم ایران بی بنیاد و ابلهانه است. یکدست کردن ولایت و بستن شکاف در لایه پائین نوک هرم ولایت، نظام را به شدت تضعیف و قدرت مانور آن را کاهش می دهد. قبای ولایت یکدست برای خامنه ای گشادتر از آن است که وی بتواند با اتکا به آن برای مردم ایران و همزمان برای جهانیان شاخ و شانه بکشد. جنبش پیروز تحریم، چشم انداز جنبش ضد استبدادی را روشنتر کرده است. صحنه سیاسی کشور اکنون به صورت شفاف در مقابل مردم و جهانیان قرار دارد. جبهه مردم در مقابل جبهه ولایت فقیه و یا جنبش آزادیخواهی در مقابل استبداد مذهبی. در این صحنه قطبی شده گرایش رشد یابنده، مبارزه برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه و استقرار دموکراسی و جدایی دین از دولت در یک سیستم جمهوری می باشد. برای پیروزی این گرایش باید صفوف مبارزاتی خود را متحد کنیم.

## اسب عساری مذاکرات اتمی

جعفر پویه دور جدید مذاکرات هسته ای مقامات سه کشور اروپایی با نمایندگان رژیم ولایت فقیه در ژنو درحالی پایان یافت که قبل از شروع آن حسن روحانی، گماشته ولی فقیه بود در این مذاکرات گفته بود که نشست ژنو آخرین شانس برای سنجش امکان ادامه مذاکرات با اروپاییها است. اولتیماتوم روحانی در حالی بیان می شود که جدال بر سر کرسی ریاست جمهوری در تهران بالا گرفته و معلوم نیست که باندهای مختلف قدرت، بتوانند بر سر یک تدارکاتچی به توافق برسند. اما اروپاییها که سیاست صبر و انتظار را پیشه کرده اند، بار دیگر به رژیم سه ماه وقت دادند تا کلیه فعالیتهای مرتبط با غنی سازی را متوقف کند. این مدت می تواند نشانه این باشد که تا آن موقع تکلیف کرسی ریاست جمهوری معلوم شده است. با توجه به اینکه فرد معرفی شده به عنوان رییس جمهور نمی تواند بدون اجازه ولی فقیه مذاکرات اتمی را به پیش برد، معلوم نیست که اروپاییها در انتظار چه معجزه ای به سر می برند. از جانب دیگر، رژیم ولی فقیه نیز می داند که بدون مذاکره با آمریکا و توافق با آن، هر گونه امتیاز اروپایی می تواند ناپایدار باشد و با دخالت و یا تصمیم یکجانبه آمریکا همه امتیازات بدست آمده دود شود. با این همه، هریک از طرفهای مذاکره با دلایل خاص خود مدت این مذاکرات را طولانی تر می کند که شاید تا ستون دیگر فرجی شود. ع خرداد

## سرمقاله

## انتخابات، چه کسی کجاست

منصور امان

یک ویژگی آشکار فرایند انتخابات اخیر در جمهوری اسلامی، شتاب سرگیجه آوری رویدادها است که حرکت و واکنش عناصر دخیل در آن را تنظیم می کند. بازیگران، افتان و خیزان از این پرده به آن پرده ی نمایش پرتاب می شوند و بسا زودتر از آن که شانس بازخوانی نقش جدید خود را داشته باشند، خویشترن را در صحنه ای دیگر و در محاصره دکوراسیون جدیدی باز می یابند. این امر همانگونه در باره نقش آفرینانی که از سمت راست به صحنه هُل داده می شوند صادق است که در وصف حال بازیگران غافلگیر شده ی آن سوی دیگر.

آشفتنگی چیره بر نمایش تصور پذیر است و ناآزمودگی بازیگران را دگرگونی پیاپی سناریو، تشدید می کند. هیچ کس بر سر جای خود قرار ندارد و در حقیقت هیچ مکانی نیز برای کسی رزرو نشده و "اصول گرایان" که "اصلاح طلبان" مختار هستند که هراسان به هرسو سرک بکشند و در هر کنج و کنار پرسه بزنند.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، گریم شده با ژل و ماتیک و آدولکن، بر صحنه گردانده می شود و آقای قالیباف، پاسدار مسلح به لباس اسپورت شخصی، خبرنگاران انگلیسی را از فرط تقلید از شگردهای تبلیغاتی تونی بلر به وجد می آورد. آقای علی لاریجانی، نام هنری "اردشیر" را بر سینه نوشته و سوار بر اتوبوس گرد دیار می چرخد تا قهرمان سفر هیجان انگیزی گردد که هر چند گاه با پدیدار شدن نیروی انتظامی بر سر گردنه، لعاب مخاطره آن غلیظ تر شود. و آقای احمدی نژاد، کوتوله همیشگی نمایش، تراژدی رقت انگیز خویش را گاه در شبیور می دمد و گاه پنهان می کند، در حالی که هنوز به درستی نمی داند کدام یک به صواب نزدیک تر است. در میان پرده، حجت الاسلام کربویی، تماشاچیان را به شیرین کردن دهان با حلوی در راه دعوت می کند و آقای مهر علیزاده فطر بازوان آنها را اندازه می گیرد.

تلاش چشمگیر صحنه گردانان، به تنهایی برای تضمین ابتدال فکاهه کافی به نظر می رسد اما جمهوری اسلامی کماکان "اصلاح طلبان" را نیز در چنجه دارد. دسته ای که دست افشان و پایکوبان از سمت چپ به صحنه وارد می شوند تا لودگی نمایش را به مرز هیستری فراز دهند. چراغهای نئون "حقوق بشر"، "آزادی زندانیان سیاسی"، "آزادی مطبوعات" چشمک زنان بر کلاه بوقی آقای معین می درخشند و در پرتو آنها، سیاهی لشگرها هلله زنان، حمام آفتاب "مردمسالاری" می گیرند.

جامعه ای که جمهوری اسلامی در محاصره ی آن نمایش انتخاباتی خود را برگزار می کند، دگرگون شده و

"آزادی مطبوعات و احزاب" یا "لغو نظارت استصوابی" که "تهدید خارجی"، "تهدید" به خطر افتادن استقلال کشور" و

"تهدید قدرت گیری راست افراطی" بود. آنان با حذف علامت سوال در برابر انتخابات و قلم کشیدن بر قیدهای شرطی در توضیح رویکرد به آن، ناگهان خود را در صفوف رقبای خویش و "مشارکت حداکثری" آنان باز یافتند. وظیفه جدید مخاطبان "اصلاح طلبان" خودی و غیر خودی، اینک بسیج برای جلوگیری از "تسلط بی دردسر و با حداقل آرا" هموردان "بر مهمترین دستگاه اجرایی کشور" تعریف می شد.

این چرخش گراف، حتی برای نزدیکان بود. گرایش نیز سرگیجه آور بود، تا آن جا که مایل بودند در این رابطه نسبت به "زیر سوال رفتن حیثیت اخلاقی اپوزیسیون" هشدار دهند. پادزهر می توانست تغییر آرایش و ارایه ی سیاست همیشگی در بسته بندی شیکنری باشد. این وظیفه به عهده "جبهه دموکراسی و حقوق بشر" گذاشته شد. اشتیاق آقای یزدی و دوستان برای به بازی گرفته شدن بیشتر از آن بود که طرح مزبور در پس شرط عضویت های سوال انگیزی همچون "التزام به قانون اساسی" و تعهد "به اصلاحات در درون نظام" ناکام بماند. حتی ترفند کنارماندن آگاهانه بخش تاثیرگذار "اصلاح طلبان" حکومتی از روند گفتگوها که با هدف رزرو امکان برای کشیدن صندلی از زیر "جبهه حقوق..."

"در صورت لزوم اندیشیده شده بود، واکنشی جز افکندن شانه ی بی قیدی دعوت شده گان به بالا برنیاکنیخت. نهضت آزادی و جریان ملی مذهبی - آن گونه که دیرتر به اثبات رسید - حاضر به پرش از موانع بُرگتر از این هم بودند.

این که فراخوان دراماتیک - میهنی جبهه مزبور، جز چند هواخواه سنتی و درمان ناپذیر "خط امام"، توجه کسی را به خود جلب نکرد، نباید و نمی توانست آش وحدت را رقیق کند. رسالتی به بزرگی چیره گی بر توطئه های داخلی و خارجی، هر دلنگرانی پیرامون حاشیه را می زدود. صندوقهای رای باید پُر می شدند و از این هم بهتر، از درون آنها باید شوالیه های مُصلح، پیروزمندان بیرون می جهیدند. در این میان، تقریباً طبیعی به نظر می رسید که تحریم کنندگان مهمترین دشمنان پا گرفتن "مردمسالاری" به شمار رفته یا در بهترین حالت، همدستان ناآگاه "اقتدار گرایان و جنگ افروزان" در کاهش مشارکت و در نتیجه شکست "اصلاحات" معرفی شوند.

این در حالی بود که قامت این بنای خیالی، بر مقدمه ای خیالی و غیر واقعی استوار شده بود؛ راهکار "اصلاح طلبان" بر این فرض آرام می گرفت که گویا نتایج اعلام شده رای گیری، حاصل یک فرایند انتخاباتی سالم و اطمینان پذیر است و به راستی نامزد آنان در صورت جلب بیشتر آرا، از پخت روشنی برای تکیه زدن بر کرسی ریاست جمهوری پرورده است. محدود کردن پروسه انتخابات به روز حسابرسی و نادیده انگاشتن فاکتورهای مختلفی که جهت گیری این فرایند را تعیین می کنند، تنها می تواند از یک گمراه سازی تامل شده یا ساده لوحی مفرط سرچشمه گرفته باشد و به حقیقت نمی توان "اصلاح طلبان" جمهوری اسلامی را متهم به ساده لوحی نمود.

انکون این فقط حجت الاسلام کربویی نیست که با نگاه به تقلبها و رای سازیهای صورت گرفته، در باره آیین انتخابات ریاست جمهوری هیچ توصیف بهتری جز "پدر سوختگی و شیطنت" به ذهنش خطور نمی کند. آقایان نوی، محمدرضا خاتمی، یزدی، سبحانی، پیمان و جز آنها، یک صدا به شکایت از روند فاسد و نتایج دست ساز پدیده ای پرداخته اند که برابر با بشارت آنها، قرار بود حافظ امنیت و منافع مرز پُرگهر باشد.

تمام کسانی که گمان می برند پس از رسوایی اخیر، دعوت کنندگان به مراسم توهین و تمسخر مردم، دست کم زبان به پوزش گشوده و مخاطبان خویش را به عدم پذیرش نتایج انتخابات قلابی و مقاومت در برابر آن فرا می خوانند، می توانند در انتظار درس بهتری باشند: پرده ها بالا می رود و هیات امنای "حقوق بشر و دموکراسی" در نقش پشتیبانان حجت الاسلام رفسنجانی، روی صحنه ظاهر می شود.

دیگر - شاید به دلیل بلاهت آمیز به گوش رسیدن آن - هیچ سخنی از "رای دادن برای تقویت روش انتخابات" گفته نمی شود اما "مشارکت حداکثری" همچنان در بوق دمیده شده و با دور گرداندن پلاکاردهای "خطر فاشیسم مذهبی" و تصاویر مُنجی عمامه سفید، برای آن هورا کشیده می شود. فینال فکاهه انتخابات، قادر به هنرنمایی در هر سیرک ممتازی است.

این هیچکس کمتر از رییس فلاحیان و سعید امامی نیست که اینک شمشیر در نیام اش گذاشته می شود تا به جنگ سرکوب و نظم طالبانی روانه گردد. "اصلاحات" تداوم می یابد و به همراه آن انحطاط نیز.

## چالشها و رویدادهای جنبش کارگران و مزدبگیران در خرداد ماه

زینت میرهاشمی

گونه که خود در جریان هستید، آقایان حسن صادقی و پرویز احمدی پنجگی از جمله کسانی

هستند که در روز ۸۴/۲/۱۹ در حمله به مرکز سندیکایی و سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران، ضرب و جرح فعالان سندیکایی و تخریب آن مکان دخالت مستقیم داشته اند. پرونده قضایی این حادثه که نامبردگان جزء متهمین ردیف اول هستند، هم اکنون در حوزه ی قضایی منطقه ی ۱۱ تهران، مراحل قانونی خود را طی می کند.»

یک رویداد مهم دیگر در خرداد ماه اتفاق افتاد. برای اولین بار بعد از انقلاب، روز جمعه ۱۳ خرداد سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه تشکیل شد. این نخستین شکل کارگری مستقل در ایران است که در پی کشاکشی خونین و درگیریهای مستقیم با وابستگان به تشکلهای حکومتی تشکیل می گردد.

مجمع عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه روز جمعه ۱۳ خرداد برای انتخاب هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه برگزار شد. این مجمع زیر فشار نیروهای انتظامی و فالاترها سرانجام تشکیل شد و علیرغم همه تهدید و جو رعب و وحشت، بیش از ۵ هزار کارگر شرکت واحد در این مجمع شرکت کردند و برای انتخاب اعضای هیأت مدیره سندیکا رای خود را به صندوق ریختند. بر اساس گزارش شرق آنلاین ۱۴ خرداد، «در مدت سه ماه گذشته به علت اختلافات موجود ۱۴ هزار نفر از کارگران شرکت واحد به خاطر راه اندازی سندیکا اخراج شده اند.»

همین منبع می افزاید که «در حال حاضر شرکت واحد ۱۴ هزار کارگر دارد که بیش از ۵ هزار نفر از آنها برای رای گیری در این مجمع مشارکت داشتند.» اخراج از کار، تهدید بیکاری و ناامنی شغل، عدم دریافت حقوق، محرومیت از بیمه بیکاری محور حرکتهای اعتراضی کارگران و مزدبگیران در خرداد ماه بود. کارگران بیکار شده نیز در صف اعتراض کنندگان قرار دارند. کارگرانی که به شرایط کاری اعتراض دارند و با مدیریت رودرویی پیدا می کنند در برابر خطر اخراج از کار قرار می گیرند. این اخراج چون با موافقت شورای اسلامی کار آن واحد انجام می شود لذا کارگر اخراج شده از هیچگونه بیمه بیکاری و یا مزایای دیگر برخوردار نخواهد شد. این عمل نقض کامل

خود را نسبت به پذیرش این افراد برای حضور در جلسات سازمان بین المللی کار اعلام می کنیم. جناب آقای دبیر کل همان گونه که می دانید ما کارگران شرکت اتومبیل سازی ایران خودرو با بیش از سی هزار کارگر شاغل در این مجموعه بزرگ تولیدی به علت ممنوعیت ایجاد هر گونه تشکل های کارگری از داشتن هر گونه نماینده کارگری محروم هستیم و هیچ کسی را به عنوان نماینده خود نداریم در نتیجه هیات شرکت کننده ایرانی نماینده ما کارگران نبوده بلکه وابسته به تشکیلات خانه کارگر می باشند که نه تنها نماینده ما کارگران نیستند بلکه یک تشکل دولتی و کارفرمایی بوده و در تقابل با ما کارگران قرار دارند.»

کارگران ایران خودرو در پایان نامه اعتراضی خود متذکر شده اند که: «جناب آقای دبیرکل، ما کارگران ایران خودرو به علت نداشتن حق تشکل، نداشتن آزادی بیان، آزادی اجتماعات، حق اعتصاب، نداشتن امنیت شغلی با وجود شرکتها پیمانکاری و قراردادهای موقت، نداشتن امنیت جانی به علت رعایت نکردن استانداردهای ایمنی، نداشتن رفاه اجتماعی، نبودن بیمه های بیکاری با اخراجهای بی رویه و پایین بودن دستمزدهای خود و بی توجهی وزارت کار در مقابل این خواستههای انسانی ما و همراهی وزارت کار با کارفرمایان خواهان لغو کرسی وزارت کار ایران در سازمان جهانی کار می باشیم. - جمعی از کارگران ایران خودرو»

در ادامه اعتراضهای کارگران آگاه به خروج جمهوری اسلامی از لیست ناقضان حقوق کار و پذیرش هیأت دولتی به جای نماینده واقعی آنان، کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری - انجمن فرهنگی حمایتی کارگران - هیأت موسس احیای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران - هیأت موسسین سندیکاهای کارگری نامه ای به مدیر کل سازمان جهانی کار، آقای خوان سومالویا نوشتند. در این نامه اعتراضی آمده است: «بدین وسیله، ما تشکلهای کارگری مستقل اعلام می کنیم این شرکت کنندگان نمایندگان واقعی کارگران ایران نبوده و اعتراض شدید خود را نسبت به پذیرش این افراد برای حضور در جلسات سازمان بین المللی کار اعلام می کنیم. همان

در این مقاله به برجسته ترین رویدادهای جنبش کارگران و مزدبگیران در خرداد ماه اشاره می شود. نود و سومین کنفرانس بین المللی کار از ۹ تا ۲۴ خرداد ماه در ژنو برگزار شد. نام جمهوری اسلامی که در لیست سیاه ناقضان حقوق کار بود در این کنفرانس از این لیست خارج شد. این اقدام نه به دلیل تغییر رفتار حکومت ایران در رابطه با حقوق کار بلکه دقیقاً به دلایل سیاسی صورت گرفته است. زیرا که این حکومت با همه قوانینش ضد انسانی است. خارج کردن اسم حکومت ایران از لیست سیاه، امتیازی به جمهوری اسلامی در رابطه با انتخابات نمایشی و بده بستانهای سیاسی در روابط بین المللی است. زیرا استانداردها و مقوله نامه های سازمان بین المللی کار در ایران اجرا نمی شود. در ملاقاتهایی که هیأت سه جانبه با نمایندگان این سازمان انجام می دهند نمایندگان واقعی کارگران و مزدبگیران حضور ندارند و تشکلهای دولتی مانند «خانه کارگر» و «شوراهای اسلامی کار» خود را به جای تشکلهای کارگری جا می زنند.

در اجلاس اخیر سازمان بین المللی کار هیاتی از طرف رژیم شرکت کرد. در میان این هیأت کسانی که به عنوان نماینده کارگری رفته بودند از جمله، حسن صادقی و پرویز احمدی پنجگی بودند. اینها فالانتهایی هستند که در روز ۱۹ اردیبهشت به مرکز سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی یورش بردند و فعالان سندیکایی این واحد را زخمی کردند. شرکت این افراد در اجلاس سازمان بین المللی کار مورد انزجار کارگران آگاه و فعالان سندیکایی در ایران قرار گرفت.

کارگران ایران خود رو در اعتراض به ترکیب هیأت ایرانی در این کنفرانس و عدم حضور نمایندگان واقعی کارگران، نامه ای به مدیر کل سازمان جهانی کار نوشتند. در بخشی از این نامه چنین آمده است: «متأسفانه باز هم کسانی به عنوان نمایندگان طبقه کارگر ایران شرکت می کنند که در هیچ انتخابات دموکراتیکی به عنوان نماینده برگزیده نشده اند.»

بدین وسیله، ما کارگران ایران خودرو یکی از بزرگترین واحدهای تولیدی با بیش از سی هزار کارگر اعلام می کنیم این شرکت کنندگان نمایندگان واقعی کارگران ایران نبوده و اعتراض شدید

حقوق کارگران است. زیرا اعتراض به شرایط کار و مطالبه حقوق از اولیه ترین حقوق کار است که در منشور سازمان بین المللی کار جزو استانداردهای بین المللی شناخته می شود.

در اصل ۸۷ منشور سازمان جهانی کار آمده است: «هر کارگری حق دارد که برای دفاع از منافع خویش با دیگران تشکلهای خود را به وجود آورد.»

یکی از نمونه چنین اجحافی، در شرکت «تکنواز» واقع در جاده قدیم کرج اتفاق افتاده است. تعدادی از کارگران به دلیل مخالفت با مدیریت از کار اخراج شده و چون شورای اسلامی این واحد موافق این اخراج بوده است، این کارگران از بیمه بیکاری محروم شدند.

کارگران اخراجی کارخانه «عاج» روز چهارشنبه ۴ خرداد در مقابل فرمانداری اسلام شهر تجمع اعتراضی نمودند. این کارگران اخراجی به مدت ۱۱ ماه است که به طور مرتب اعتراض می کنند و خواهان رسیدگی به خواسته هایشان و پرداخت حقوقشان هستند.

کارگران اخراجی کارخانه شاهر در سهندج روز سه شنبه ۳ خرداد در اعتراض به اخراج خود در مقابل مجلس رژیم تحسن کردند.

همراه با این تحسن اعتراضی، ۳۰ نفر از کارگران اخراجی کارخانه نساجی شاهر در شهر سهندج نامه ای اعتراضی به دبیر کل سازمان جهانی کار، کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری و سازمانهای کارگری در سراسر جهان نوشتند.

کارگران این واحد تولیدی در نامه شان خواسته های خود را چنین اعلام کردند: « ۱\_ ما خواهان بازگشت به کار و متوقف شدن اخراج کارگران از کار هستیم.»

۲\_ ما خواهان تمام مزایای قانونی از جمله حق بازنشستگی هستیم .

۳\_ ما خواهان پایان دادن فشار به کارگران شاغل برای امضای قرارداد موقت هستیم. همچنین ما خواهان رسمی شدن کارگران قراردادی میباشیم.

۴\_ ما خواهان حقوق و مزایای مساوی برای کارگران موقت و استخدام رسمی هستیم.»

بر اساس گزارش انجمن کارگری «جمال چراغ ویسی» کارفرمایان این کارخانه ۵۵ کارگر شاغل در این واحد تولیدی را اخراج کرده اند. بر اساس

بقیه در صفحه ۶

## خروج رژیم از لیست ناقض حقوق کار، به چه دلیل؟

جعفر پویه

سازمان بین المللی کار در نود و سومین نشست خود در ژنو، رژیم ضد انسانی و ضد کارگری ولایت فقیه را از لیست کشورهای ناقض حقوق کار خارج کرد. در این نشست، مزدورانی از دو باند سیاه حکومتی یعنی "خانه کارگر" و شوراهای اسلامی کار به عنوان نمایندگان کارگران ایرانی شرکت داشتند. جمهوری اسلامی در حالی از لیست کشورهای تحت نظارت و ناقض حقوق کار خارج می شود که قبل از این جلسه، خان سومایو با سفر به تهران و گفتگو و زد و بند با مقامات حکومتی، زمینه این کار را آماده کرده بود.

سازمان بین المللی کار بدون در نظر گرفتن حق کارگران ایرانی برای داشتن تشکلهای مستقل و قراردادهای جمعی و نادیده گرفتن اعتراضهای متعدد آنان علیه قراردادهای موقت و تبعیض در محیط کار و موارد بسیاری از این دست، با پذیرفتن باند‌های سیاه حکومت در جلسات خود، عملن علیه منافع کارگران ایرانی اقدام کرده است. سازمان بین المللی کار هنگامی رژیم ضد کارگری ایران را از لیست کشورهای ناقض حقوق کار خارج می کند که همزمان در کارخانه ها و کارگاه ها، کارگران علیه اجحافات کارفرما که در بیشتر موارد دولت است، دست به اعتصاب زده و تظاهراتی مختلفی را برگزار کرده اند. تنها روز چهارشنبه همزمان با جلسه سازمان بین المللی کار، کارگران کارخانه نازنخ در قزوین، به علت اینکه ۱۷ ماه بدون حقوق و دستمزد کار کرده اند، همراه با خانواده های خود دست به یک راهپیمایی اعتراضی زدند که با یورش پلیس به کارگران و خانواده های آنان روبرو شد و معترضان به رگبار شلاق گرفته شدند.

در نمونه های دیگر، کارگران قدس پلاستیک در اعتراض به تعطیلی کارخانه و بیکار سازی خود توسط کارفرما، تظاهراتی گسترده ای را برپا کردند. کارکنان نیروگاه شهید مفتاح همدان در اعتراض به بی عدالتی و تضییع حقوق خود، دست به اعتصاب غذا زده و کارگران مرغداری درفشان، به تعطیلی محل کار خود که باعث بیکاری آنان شده است، اعتراض کردند. روز سه شنبه نیز حدود ۱۰۰ تن از کارکنان زن و مرد شرکت الکتریک رشت به تهران آمده و در پارکینگ ساختمان سازمان صنایع ملی تحصن کرده و خواستار حقوق قانونی خویش شدند. همزمان، تعداد زیادی از کارگران شرکت واحد به دلیل فعالیت برای برپایی سندیکا از کار اخراج و مورد پیگرد قرار گرفته اند.

رژیم جمهوری اسلامی نه تنها ناقض حقوق کارگران و مزدبگیران بلکه پایمال کننده حقوق کلیه مردم ایران است. بند و بست سازمان بین المللی کار و یا دیگر سازمانهای پرطمطراقی که وظیفه مشروعیت بخشی به یک حکومت ضد مردمی را به عهده گرفته اند، نخواهد توانست در اراده مردمی که برای حقوق انسانی خود تلاش می کنند، خللی وارد کند.

پنجشنبه ۱۹ خرداد

## چالشها و رویدادهای

### جنبش کارگران و

### مزدبگیران

بقیه از صفحه ۵

گزارش همین منبع در هنگام تحصن، یکی از کارگران در اعتراض به عدم پاسخگویی مجلس رژیم با قصد خودکشی خود را جلوی یک ماشین پرتاب کرد.

در این تحصن نیروهای انتظامی رژیم و لباس شخصیها به کارگران متحصن یورش برده اند. بستن راه و رویارویی با نیروهای انتظامی در حرکت‌های اعتراضی ماه گذشته برجسته بود.

کارگران شرکت ایران ترمه روز شنبه ۳۱ اردیبهشت به عنوان اعتراض جاده قم - اراک را بستند و خواهان دریافت حقوق عقب افتاده شان شدند.

بر اساس خبرگزاری ایلنا این اقدام، پنجاهمین تجمع اعتراضی آمیز کارگران ایران ترمه طی سه سال گذشته است.

کارگران شرکت «سازمایه» واقع در پاکدشت روز یکشنبه ۸ خرداد در برابر اداره کار پاکدشت تجمع اعتراضی کردند. کارگران معترض در این تجمع اعتراضی فریاد می زدند «ما گرسنه ایم». خبرگزاری ایلنا ۸ خرداد تعداد این کارگران را ۳۰۰ نفر اعلام کرده است.

در بخشی از این طومار نوشته شده: قراردادهایی که با کارگران قراردادی بسته می شود سفید امضا بوده و طبق سلیقه شخصی، هر زمانی که اراده کنند کارگران را بدون هیچ دلیلی اخراج می کنند.

... باوجود کسر پول بیمه و مالیات، مبلغ اضافه کاری از کارگران کسر و لیست اضافه کاری به دارایی و سازمان تامین اجتماعی ارایه نمی گردد.

در این طومار اشاره شده: «در فیش حقوقی کارگران، هزینه مسکن، خواربار و افزایش دستمزد سال ۸۴ لحاظ می گردد، اما پرداخت نمی شود، آمده است: اگر هم کارگران لب به اعتراض

باز کنند، با فحاشی، کتک کاری و ناسزا گویی به نوامیس و زن و فرزندانشان رو به رو می شوند.»

کارگران واحد تولیدی بهمن پلاستیک روز سه شنبه ۳ خرداد دست به اعتراض زدند. کارگران این واحد تولیدی به مدت ۱۱ ماه است که حقوقشان را دریافت نکرده اند. این کارگران در اعتراض به عدم دریافت حقوقشان جاده قدیم کرج را بستند. اعتراض کنندگان در ادامه این حرکت، به تجمع اعتراضی آمیز در مقابل در ورودی کارخانه نمودند. این تجمع با دخالت نیروهای انتظامی مواجه شد.

کارگران شرکت «ناز نخ» واقع در قزوین به همراه خانواده هایشان چهارشنبه ۱۸ خرداد دست به راهپیمایی اعتراضی زدند. این کارگران از محل کارخانه به سمت قزوین راهپیمایی می کردند که با ضربات شلاق نیروهای انتظامی روبرو شدند.

روز سه شنبه ۱۷ خرداد گروهی از کارگران بیکار شده شرکت الکتریک ایران رشت در پارکینگ ساختمان صنایع ملی ایران در تهران تجمع اعتراضی کردند. روزنامه شرق چهارشنبه ۱۸ خرداد، تعداد شرکت کنندگان در این تجمع را بیش از ۲۰۰ نفر و تعداد کارگران بیکار شده را ۷۵۰ نفر گزارش کرده است. سازمان صنایع ملی از ورود خبرنگاران و عکاسان به محل تجمع کارگران جلوگیری نمود. این کارگران اعلام کردند تا رسیدگی به خواسته هایشان به اعتراض ادامه خواهند داد.

در شرایطی که بخش عظیمی از حقوق بگیران زیر خط فقر و بقیه با تهدید فقر روبرو هستند، بازنشستگان با شرایط دشوارتری روبرو هستند.

علی اکبر خبازها، رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی در گفتگویی با خبرگزاری ایلنا سه شنبه ۱۷ خرداد گفت «بالغ بر یک میلیون و ۵۰ هزار بازنشسته تامین اجتماعی در کشور وجود دارد که بیش از ۷۵ درصد آنان با دریافت حداقل دستمزد تعیین شده، در زیر خط فقر به سر می برند.»

کارگران شرکت «بمنو» در خرمدره همه روزه تجمع می کنند. بر اساس گزارش ایلنا اول خرداد، به دنبال طرح قانون

نوسازی و بازسازی صنایع در این واحد تولیدی، تعدادی از کارگران بازنشسته شده و هر روزه در مقابل این کارخانه دست به تجمع زده و خواهان دریافت حقوق خود هستند.

به گزارش ایلنا چهارشنبه ۱۸ خرداد، تعدادی از کارگران نیروگاه مفتاح همدان، در اعتراض به شرایط خود، دست به اعتصاب غذا زدند.

کارگران کارخانه «پوشینه بافت» در شهر قزوین روز یکشنبه ۲۲ خرداد در محل کارخانه تجمع اعتراضی کردند. این کارگران به عدم دریافت حقوقشان اعتراض داشتند. خبرگزاری ایلنا یکشنبه ۲۲ خرداد تعداد کارگران اعتراضی را ۶۰۰ تن اعلام کرده است. کارگران فرش اکباتان در شهر قزوین روز یکشنبه ۲۲ خرداد در اعتراض به شرایط خود در محل خانه کارگر این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

گروهی از معلمان حق التدریسی در تهران روز چهارشنبه ۱۱ خرداد در مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش این شهر تجمع اعتراضی نمودند. این معلمان خواهان استخدام رسمی آموزش و پرورش شدند.

در انتخابات ضد دموکراتیک ریاست جمهوری در ایران، کاندیداهای مختلف سعی در کشاندن کارگران و زحمتکشان به زیر شعارهای فریبنده از جمله دادن ماهیانه پول، بهبود وضعیت اقتصادی تلاش کردند که رای آنها را بخرند. کارگران و مزدبگیران که در بزرگداشت روز اول ماه مه، روز کارگر، عدم حمایت خود را از کاندیداهای برگزیده شورای نگهبان اعلام کردند و با اقدام شجاعانه خود نه به همه جناحهای حکومتی دادند، خواستار فراندوم شدند.

با توجه به روی کار آمدن احمدی نژاد و قولهای فریبنده او به بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی زحمتکشان، چالشهای آتی جنبش کارگری با حاکمیت، وارد عرصه ای گسترده تر برای عملی شدن این وعده ها و دستیابی به حقوقشان خواهد شد.

## جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

در نوشتار این شماره می خوانید:

دادگاه جنایت جنگی در سودان، فرار از محاکمه مجرمان پیش پرده G8 مردم هوشیار اروپا

دادگاه جنایت جنگی در سودان، فرار از محاکمه مجرمین

پس از آن که دادگاه بین المللی جنایت علیه بشریت اعلام کرد افرادی که در دو سال گذشته در سودان مرتکب جنایت جنگی شده اند را در این دادگاه به محاکمه خواهد کشید، دولت سودان اقدام به گشایش دادگاه ملی جنایت علیه بشریت کرده و اعلام کرد که هیچ یک از متهمان را به دست دادگاه بین المللی مزبور نخواهد سپرد.



روز ۱۶ ژوئیه، دادگاه ویژه ای که دولت سودان برای محاکمه جنایتکاران جنگی در دافور تشکیل خواهد داد، شروع به کار می کند. این دادگاه با آن که می توانست درس عبرتی برای جنایتکاران جنگی در این کشور و برخی دیگر از کشورهای جهان باشد و اعلام خطری جدی به این افراد محسوب شود اما از آن چه شواهد امر نشان می دهد، در واقع تنها یک تاکتیک از جانب دولت سودان برای فرار از دادگاه بین المللی جنایت علیه بشریت است.

سازمان عفو بین الملل در این زمینه گزارش می دهد، تا هنگامی که دولت سودان دست به رفرمهای قانونی برای تضمین استقلال دستگاه قضایی نرزد و از اتمسفر هراسناک و نا امنی که در حال حاضر وجود دارد نکاسته است، چنین دادگاهی عملکرد واقعی نخواهد داشت.

مسئول بخش بین المللی سازمان عفو بین الملل، کلاوله اولانیان می گوید: "دولت سودان ادعا می کند که قادر است مجرمان را مجازات کند اما از

سوی دیگر، افرادی که شاهد نقض حقوق بشر و ارتکاب این جنایات بوده اند را بازداشت و سرکوب می کند."

در روزهای اخیر، مجوز فعالیت برخی از روزنامه ها از جمله روزنامه مستقل "خارطوم مانیتور" لغو و دفاتر آنها بسته شد. همچنین در ماه گذشته، دو عضو سازمان پزشکان بدون مرز که یک نهاد کمک رسانی درمانی است، به جرم "نشر اطلاعات نادرست" و "جنایت علیه دولت" دستگیر شدند. این در حالی صورت گرفت که سازمان مزبور گزارشی در مورد چگونگی تجاوز جنسی در هنگام جنگ را تهیه کرده بود.

از این گونه شواهد برمی آید که دولت سودان قصد خاموش کردن رسانه ها و مددکاران اجتماعی را دارد که می خواهند حقایق را بازگو کنند.

اولین گام برای این که دولت سودان صلاحیت دادگاه در برقراری عدالت را ثابت کند، لغو ماده ۳۱ و ۳۳ سند نیروهای امنیت ملی است که براساس آن به نیروهای امنیتی اجازه داده شده است تا افرادی را که بازداشت می کند، به مدت طولانی و بدون ارتباط با خارج در بازداشتگاه نگاه دارد و به نیروهای امنیتی در برابر شکنجه زندانیان، مصونیت از مجازات می بخشد. گام دیگر آن که، دولت سودان دادگاه جنائی دافور که براساس شواهد و مدارک به دست آمده ناشی از شکنجه به صدور حکم می پردازد را منحل کند، حق تجدید نظر برای افرادی که مجرم شناخته شده اند را محدود گرداند، ماده ۱۰ قانون شهادت را که استفاده از شواهد به دست آمده تحت فشار را مجاز می شمارد، لغو کند، همچنین برای شاهدان و متهمان امنیت ایجاد کرده و شرایطی که بتواند هویت آنان را محفوظ نگه دارد، ایجاد نماید. دولت سودان همزمان باید تضمین کند که هر کس، صرف نظر از توان مادی اش، می تواند از عدالت برخوردار باشد.

## پیش پرده G8

در هفته اول ماه ژوئیه، تونی بلر به واشنگتن سفر کرد تا به ظاهر در ملاقاتش با جورج بوش، او را به بخشش بدهیهای آفریقاییهها ترغیب کند. اما این اقدام تنها یک سودجویی از وضعیت اسفبار مردم آفریقا بود. هدف بلر، سفت کردن پیچ و مهره های موقعیت خود به عنوان چهره برجسته لیبرال در جهان بود.

این ملاقات درحالی صورت گرفت که یک ماه از شکست حزب کارگر در

انتخابات می گذرد و در آمریکا نیز برای اولین بار، همه پرسپها نشانگر تغییر نظر اکثریت مردم نسبت به جنگ جورج بوش در عراق می باشد و اکنون بسیاری به خطا بودن این جنگ آگاه گشته اند.

آبروریزی جدید تر آن که، چند روز پیش از این دیدار، سازمان عفو بین الملل، بریتانیا و آمریکا را به دلیل شکنجه زندانیان در زندانهای عراق، کوبا و افغانستان و نقض حقوق بشر محکوم دانست.

به همین خاطر است که بلر زحمت ابراز نگرانی در مورد شرایط فاجعه بار آفریقا و گذاشتن ماسک انسان دوستی بر چهره را متحمل شده است. اضافه بر این، پیشنهادات ارایه شده رئیس جمهور بریتانیا در واقع هیچ مورد چشمگیری به نفع آفریقا و بخشش بدهیها و یا تحویلی جدی در برخورد به این قاره را در بر ندارد. آن چه که او به میان می آورد، با شرطهایی همراه گردیده که برای مثال، حضور بیشتر کمپانیهای بزرگ مانند کمپانیهای نفت و مواد معدنی را تضمین کند.

کشورهای فقیرآفریقایی، ۳۹ میلیارد دلار بدهی به کشورها و بنیادهای خصوصی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دارند که حدود یک چهارم این دیون به بنیادهای چند ملیتی می باشد. بلر خواهان بخشش بدهی تنها ۲۳ کشور که رژیمهای آنها به غرب نزدیک و با بازار آزاد موافقت، آنهم از جانب بانکهای خصوصی است. این در حالی ست که حتی اگر با پیشنهاد او نیز موافقت شود، تنها نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار بدهی کشورهای مزبور بخشوده خواهد شد که برابر با بهره ۵ روز کل بدهیها می باشد.

شرط دیگر تونی بلر برای هر گونه کمک یا بخشودگی بدهی آن است که کشور کمک گیرنده، تمامی فعالیتهای بزرگ اقتصادی و پروژه های اجتماعی خود را "با تنظیمات بخش خصوصی" هماهنگ گرداند. با وجود آن که این امر نمی تواند از جانب آمریکا با مخالفت روبرو شود اما بوش باز هم مایل به دادن هیچگونه تعهدی نیست. اختصاص ۷ درصد از درآمد ملی به جای دو درصد کنونی به این کار، تعهد آسانی نیست. در نهایت، دولت بوش که ترجیح می دهد با استفاده از قدرت نظامی و حفظ استقلال عمل، کشورهای دیگر را تحت اختیار خود قرار دهد، نیازی به پادرمیانی آقای بلر ندارد. از همین روست که این ملاقات برای بلر یک صحنه سازی بیش نیست.

هدف دیگر این ملاقات، همچنین هماهنگی دو رئیس جمهور در میتینگ G8 که ماه آینده برگزار می شود است تا جبهه متحدی برای استثمار بیشتر مردم آفریقا ایجاد کنند.

## مردم هوشیار اروپا

رای منفی مردم دو کشور فرانسه و هلند به قانون اساسی اتحادیه اروپایی نه تنها حکام دو دولت را غافلگیر کرد بلکه در مجموع، اتحادیه اروپایی را به زیر سوال برد. در همین حال، توجه بسیاری نیز اکنون به سوی کاراکتر غیر دمکراتیک اتحادیه اروپایی و نقش آن به مثابه قُلم سرمایه های بزرگ برای انبار ثروت بیشتر از راه تهاجم به حقوق مردم زحمتکش، جلب گشته است. این قانون به گونه ای است که دست سرمایه داران را باز کرده و مسیر کسب سود بیشتر، از طریق حذف مدددهای اجتماعی مانند بیمه های درمانی، حقوق بیکاری و غیره را هموار می کند. بیش از ۷۰ درصد از ۱۵ هزار مبلغ پارلمانی که در بروکسل، مقر اتحادیه اروپایی هر روزه فعالیت می کنند، لابی سرمایه داریهای بزرگ هستند که خواسته ها و اهداف آنان را به پیش می برند. تنها ۲۰ درصد سازمانهای غیر دولتی، منافع منطقه ای شهری و دیگر نهادها را دنبال می کنند. از این رو، منافع مردم عادی و زحمتکشان مزدبگیر که توانایی پرداخت مخارج کمر شکن لایبها را ندارند، در تصمیم گیریها نادیده انگاشته می شود.

براین پایه است که وقتی قانون اساسی اتحادیه اروپایی که هدف آن یکسان سازی و اتحاد این قاره بر اساس سندی که حافظ سود و ثروت کمپانیهای بزرگ است، در دو کشور فرانسه و هلند به رفراندم گذاشته می شود، با رای منفی مردم روبرو می گردد. این رای، "نه" مردم به تحولات سیاسی و اقتصادی که تا کنون جز محدودیتهای مالی بیشتر برایشان نداشته است، بود.

در فرانسه، شیراک رییس جمهور این کشور، احزاب حاکم، احزاب اپوزیسیون و رسانه ها تا آنجا که می توانستند برای گرفتن رای مثبت تلاش کردند. با این حال، ۵۵ درصد از رای دهندگان به قانون اساسی اتحادیه اروپایی رای "نه" دادند. این امر در پی سازماندهی وسیع سیاسی که به سرعت و طی چند

بقیه در صفحه ۸

## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۷

هفته شکل گرفت و طی آن صدها هزار نفر در میتینگهای موافق و مخالف قانون اساسی شرکت کردند و بحثهای تلویزیونی که توجه میلیونها نفر را جلب



کرد، میسر گشت.

با شکست در رفراندوم، طبقه برتر و حاکمه فرانسه با از هم گسیختگی سیاست داخلی و خارجی مواجه شد. دست رد فرانسویها به سینه قانون اساسی اتحادیه اروپایی، بزرگترین شکست شخصی و سیاسی شیراک طی ۱۰ سال گذشته یعنی، از هنگام به قدرت رسیدن او نیز محسوب می شود. شیراک، استعفای نخست وزیر این کشور، ژان پیر رافین را می پذیرد و متحد خود دومونیک ویلپین را به جای او منصوب می کند. او از دبیر کل UMP (اتحاد برای جنبش همگانی)، نیکلا سارکزی که بدترین رقیب حزبی اش بود نیز فاصله می گیرد اما این جابجاییها تاثیری بر بحران ایجاد شده نخواهد داشت.

با همه این احوال، بازنده اصلی این انتخابات نه شیراک است و نه UMP بلکه، حزب سوسیالیست است که به گونه عمیقی پیرامون این موضوع شکاف پیدا کرد. این حزب بطور رسمی رای "آری" داد اما برخی از چهره های سرشناس در رهبری حزب، رای "نه" دادند. در میان اعضا نیز ۶۰ درصد رای مخالف دادند که احتمال انشعاب در این حزب را پیش رو نهاد.

از سوی دیگر، سه روز پس از رای "نه" فرانسویها، مردم هلند نیز بنابه دلایلی که به جامعه خود ارتباط داشت، به قانون اساسی مذکور پاسخ "نه" دادند. جالب توجه آنکه تصمیم برگزاری یا عدم برگزاری رفراندوم به پارلمان این کشور واگذار شده بود که برخلاف خواست دو حزب بزرگ دولتی، CDA و VVD، به برگزاری آن رای داد. با این حال، همه احزاب متعهد گشتند که به نتیجه آن در صورتیکه بیش از ۳۰ درصد از رای دهندگان به پای صندوق

بیایند، سرنهند. در روز همه پرسی، ۶۳ درصد به پای صندوق رای رفتند.

کشور هلند مانند دیگر کشورهای اروپایی، دچار بحران سخت اقتصادی است. واکنش دولت به این معضل، پایین آوردن مالیات برای سرمایه داریهای بزرگ و کاهش دستمزدها و مزایای خدماتی برای کارورزان بوده است. برای مثال، در همان حال که کمپانی نفتی شل رکورد سود خود را شکست، استانداردهای معیشتی مردم عادی تقلیل یافته است و بیکاری همچنان سیر صعودی می

پیماید. هراس از این که قانون اساسی اروپایی به همان اندازه که قوانین این کشور لیبرال است نباشد، از جمله نگرانیهای جناح چپ مخالفان این قانون بود. همزمان، برای مردم رای "نه" به معنی دادن رای منفی به دولتی است که به تهاجم علیه منافع شهروندان دست زده و همچنین از جنگ آمریکا علیه عراق نیز پشتیبانی کرده است. از سوی دیگر، مردم از رفرمهای بیشتر در بازار آزاد نیز احساس خطر می کردند و این وزنه ی سنگین تری از فراخوان "نه" برخی از احزاب داشت که مخالفت آنان با قانون اساسی اروپا، بیشتر روی حاکمیت ملی متمرکز شده بود تا موضوعات مورد توجه مردم.

عضویت ترکیه در اروپا، مساله مهاجرت، گسترش اتحادیه و خطرات ناشی از آن برای اشتغال، افزایش بیکاران، یورو و افزایش قیمت های ناشی از آن، وخامت وضعیت بهداشت عمومی و آموزش و عدم امنیت نیز از جمله مواردی بودند که به غیر از قانون اساسی اتحادیه اروپایی در رای مخالف مردم اثر می گذاشتند. رای "نه" هلندیها نه تنها به اتحاد راست دولت ژان پیتیر بالکننده بلکه همزمان به احزاب مخالف که به دادن رای مثبت به این قانون فراخوان داده بودند نیز بود.

بدین ترتیب، شکاف عمیقی هم احزاب را از رای دهندگان آنها و هم جنبشهای اجتماعی را از اعضایشان جدا می کرد. طبق یک نظرسنجی در ماه گذشته، مراکز اصلی سندیکیایی، جنبش صلح، انجمنهای حقوق بشر، سازمانهای مدافع محیط زیست، کارفرمایان و کلیساها همگی از رای موافق

حمایت می کردند. این در حالی بود که اکثر اعضای آنان رای مخالف دادند. مردم هلند از فرصت بدست آمده سود جسته تا به سیاستهای اتحاد سیاسی در قدرت پشت کنند.

اگر چه "nee" کشور ۱۶ میلیونی هلند به لحاظ تعداد و نه درصد (فرانسه ۵۵ درصد و هلند ۶۱/۶ درصد رای منفی) به قدرت "non" فرانسه با جمعیت نزدیک به ۶۰ میلیون نیست اما بطور کلی هر دو در نمایش فاصله ی عمیقی که بین طبقه کارگر و مزد بگیر و طبقه حاکمه و برتر در جامعه وجود دارد، یکسان هستند. مردم دو کشور، این فاصله را در زندگی روزانه خود احساس کرده اند و کسی نمی تواند غیر از این را به آنها دیکته کند.

قانون اساسی اتحادیه اروپایی به صورتی طرح ریزی شده است که ائتلاف سیاسی اتحادیه اروپایی را در جهت منافع طبقه برتر به کار گرفته و اروپا را با صدای قوی تری در صحنه جهانی در برابر آمریکا قرار دهد.

رای منفی به قانون اساسی اتحادیه اروپایی، یک پرسش مهم سیاسی را طرح کرده اما مساله را حل نکرده است. سیستم حاکم، چنین شکستی را بدون مبارزه با آن نخواهد پذیرفت. فشار اقتصاد جهانی و افزایش رویارویی با آمریکا، آنان را به سوی یافتن راهی برای تهاجم به طبقه کارگر هدایت می کند.

مانوئل باروسو، رییس کمیسیون اروپایی، بهترین راه حل را در حال حاضر احتیاط و دور اندیشی دانسته و خواهان ایجاد وقفه در روند تصویب قانون اساسی در کشورهای عضو شده است. او می گوید: "واقعا با خطر مواجه هستیم و من آن را می بینم و احساس می کنم."

از ۲۵ کشور بعدی برای اجرای این همه پرسی، نظرسنجیها در لوکزامبورگ، پرتغال، دانمارک، ایرلند و جمهوری چک بیانگر رای منفی بالا بوده است. انگلیس نیز که از اول ماه ژوئیه ریاست اتحادیه اروپایی را به عهده می گیرد، روند تصویب همه پرسی را به تاخیر انداخت.

## جشن فوتبال یا لگد مال کردن

## قوانین جنسیتی

جعفر پویه

بار دیگر بمب شادی در شهرهای ایران منفجر شد و به بهانه پیروزی تیم ملی فوتبال، مردم به خیابانها ریختند و به جشن و پایکوبی پرداختند. در نگاه اول چنین اتفاقی می تواند عادی و ناشی از فوتبال دوستی عده ای تصور شود که امکان وقوع آن در همه جای جهان ممکن است؛ اما با توجه به ماهیت رژیم ایران و اتفاقاتی که روی داده، می توان اینطور گفت که حضور مردم در خیابانها و برگزاری مراسمی از این دست، نوعی دهن کجی به قوانین خشک مذهبی حاکم و اعتراض برای حقوق پامال شده آنهاست.

حضور پرشمار جوانان در خیابانها و بدور افکندن حجاب اجباری از طرف دختران و زنان و شرکت آنان در رقص و پایکوبی همراه با مردان، تحت رژیمی که همه این اعمال را جرم می داند و برای انجام آنها احکام زندان و شلاق صادر می کند، ماهیتی ضد قوانین حاکم پیدا می کند و عملن از یک اتفاق عادی به عملی اعتراضی تبدیل می شود.

رژیم جمهوری اسلامی که از بدو پیدایش حجاب را امری اجباری و با وضع قوانین بسیار سختگیرانه آنرا اجباری کرده است، در مقابل کارناوال شادی برای فوتبال، همه تلاش چندین ساله اش را بر باد رفته می بیند و دختران و پسران با برگزاری رقص و پایکوبی با یکدیگر، اساس قوانین تبعیض آمیز جنسیتی اش را لگد مال می کنند. جدای از این، قانون شکنیها خود از نظر ماهیتی، اعتراض به قوانین حکومتی تلقی می شوند.

جوانان با حمله به مراکز حکومتی و پاره کردن پوسترهای تبلیغاتی کاندیداهای ریاست جمهوری، تنفر خود را از بازی ضد دموکراتیک انتخاب تدارکاتچی رژیم به نمایش گذاشتند. هرچند عوامل رژیم سعی می کنند تا در اخبار و گزارشات خود، برخورد پلیس و نیروی انتظامی با این مراسم را خنثا و بی تفاوت جلوه دهند اما واقعیت این است که در برابر موج خروشان مردم نه تنها پلیس و نیروی انتظامی نمی تواند بازدارنده باشد بلکه، به سرعت به ضد خود تبدیل می شود و می تواند باعث وقوع اتفاقاتی شود که کاملن از کنترل آنان خارج است. بنابراین، نیروهای سرکوبگر رژیم نه از موضع مردم دوستی و یا همراهی با آنها بلکه، از سر استیصال تنها به تماشای مراسم ضد حکومتی پرداختند و جرات مداخله در آن را نیافتند.

برگزاری جشن و پایکوبی به بهانه پیروزی تیم فوتبال، نشان دهنده عمق انزجار مردم از قوانین ضد مردمی حکومت فقها است و تهاجم به مراکز دولتی و نمادهای نمایش انتخابات، تنفر آنان از رژیم مبتنی بر آنها را به نمایش گذاشت.

۲۰ خرداد ۸۴



## نه به قانون اساسی اروپا، آری به ...

جعفر پویه

به نفع عموم مردم حاصل نشود. چنین وضعیتی برای مردم یک کابوس واقعی است و عدم توجه به این نگرانیها، شکستهای بزرگی برای اتحادیه نوپا رقم خواهد زد.

علت بی اطلاعی مردم از این مجموعه به عملکرد سیاستمداران اروپایی باز می گردد. آنان که از اعتماد مردم نسبت به خود بیشترین بهره را می برند، با دست باز به استقبال خطر می روند و امید دارند تا در مواقع ضروری مردم نیز به حمایت آنان برخیزند اما در سالهای اخیر نه تنها اعتماد مردم نسبت به سیاستمداران کاهش یافته است بلکه، دروغگویی و گول زدن مردم در مقاطعی برای رسیدن به منافع آنی، باعث گردیده که توده مردم در نظرات آنها به دیده شک بنگرد و به صداقت گویندگان باور نداشته باشد. به همین دلیل، توصیه های سیاستمداران به مردم در حمایت از این یا آن سیاست کلان دچار خدشه شده است و دیگر ادامه راه به شیوه گذشته امکان پذیر نیست. برپایه همین اعتماد بود که سیاستمداران اروپایی نیازی نمی دیدند تا درباره بسیاری از برنامه های خود توضیحات کافی به مردم بدهند. تنها این امر که مردم به آنان گوش می کنند و قول آنان را درباره مفید بودن یا نبودن برنامه ای می شنیدند برای آنان کافی بود. بنابراین کمترین حجم اطلاع رسانی درباره اتفاقات درونی کمیسیونهای اتحادیه و تصمیمات آن انجام می پذیرفت و مردم همچون غریبه هایی که باید از جریانات برکنار بمانند، خود را در این فرآیند غیر خودی می بینند. بی دلیل نیست هنگامی که فراخوان عمومی برای رای به قانون اساسی داده می شود، یکباره این موضوع خود را نشان می دهد و آنگاه جامعه برای تصمیم گیری دچار یک سردرگمی می شود. آنان نمی دانند که چه ضرورتی باعث شده تا سیاستمداران به آنان روی بیاورند و محتوای آنچه بنام قانون اساسی باید به آن رای بدهند چیست؟

مردم اروپا درباره قانون اساسی اروپایی متحد همان قدر می دانند که مردم آسیا در این باره. عدم اعتماد نیز کار خود را می کند و بازار بدبینی گرم می شود. توضیحات ناشیانه سیاستمداران نیز در این خصوص سلبی است یعنی، آنان مردم را از عواقب رای منفی برحذر می دارند و توضیحاتی بسیار مبهم درباره ماهیت این قانون و کارکرد آن

بحث همگرایی کشورهای اروپایی و سازماندهی آن حول نامی ناشناخته یعنی اتحادیه اروپایی که پس از حذف بلوک شرق از صحنه سیاست بین الملل سیر صعودی گرفته بود، با رفراندوم قانون اساسی برای مشروعیت بخشی به آن، دچار مشکل اساسی شد. شکست رویای اروپای متحد که قدمتی چندین ساله دارد، از یک سو ناسیونالیستها و ملی گراهای کشورهای کوچک را شادمان و از دیگر سو، سیاستمداران بلند پروازی که خود را عضو یک بلوک قدرتمند سیاسی اقتصادی می یافتند را غمگین کرد.

اروپای متحد یک مجموعه دوگانه با دو رویکرد "داخلی و بین المللی" می باشد، از نظر عملکرد و محتوا برای بسیاری از مردم اروپا ناشناخته است. این مجموعه سعی دارد تا در کشاکش جهان یک قطبی که آمریکا خود را رهبر بلامنازع آن می داند، با ساماندهی قطبی از اقتصادهای کوچک ولی پیشرفته از خود کانونی بسازد که معادلات بین المللی را تحت تاثیر قرار دهد و این کانون را در برابر مرکزیتی که آمریکا ساخته، به رقابت بگذارد. آنان می پندارند در چنین حالتی اروپا می تواند به نقش تاثیر گذار گذشته خود باز گردد و با برپایی مرکز تصمیم گیری جدیدی، جهان را در برابر دو گزینه قرار دهد. مشکل بزرگ اروپا برای ادامه این روند در چند گره گاه خود را نشان می دهد. عدم تعریف درست از اتحادیه اروپا و ناشناخته بودن آن از طرف مردم باعث شده است تا کشورهای کوچک از بیم بلعیده شدن توسط یک مرکز قدرتمند، با آن سرناسازگاری بگذارند و با چنگ و دندان به دفاع از هویت ملی خویش بپردازند. از جانب دیگر، وضعیت ناپایدار اقتصاد کنونی جهان نیز این ترس را در مردم به وجود می آورد که اتحادیه در مواقع بحرانی جانب کمپانیهای بزرگتر را بگیرد و در این میان بخش کوچک و خرده پا به طور کلی از صحنه حذف شود. مردم اروپا که بخش بسیار زیادی از سیستم تامین اجتماعی و رفاهی و آموزش را مدیون برنامه های فراگیر نیروهای چپ و سوسیالیستهای گذشته می دانند، از دست دادن آنرا همچون فاجعه ای می بینند که باعث خواهد شد موسسات خصوصی آن چنان گلوی بهداشت، آموزش و امکانات اجتماعی را بفشارند که از آن دیگر سر ریزی هم

می دهند که مردم را قانع نمی کند زیرا آنان عادت ندارند در باره تصمیمات خود به مردم توضیح دهند. این است که رای دهندگان با نگاه به کسانی که به حمایت از قانون اساسی اروپا پرداخته اند و ارزیابی عملکرد تاکنونی آنان در عرصه اجتماع، به قانون اساسی برخورد کرده و از این دریچه به برآورد آن پرداختند. آنها از زاویه حمایتگران و بر آورد عملکرد آنان، به قانون اساسی اروپای متحد رای دادند. رای منفی فرانسه و هلند به قانون اساسی اروپای متحد، بر این پایه شکل گرفت و چالش بزرگی در ادامه راه آن به وجود آورد.

جدا از ماهیت این قانون اساسی که بحثی کارشناسانه را می طلبد، عملکرد دولتها و احزاب گوناگونی که در این کارزار شرکت داشتند نیز گویای پیشبرد سیاست غلط آنان است. نیاز مبرم اتحادیه به رای مثبت مردم برای مشروعیت بخشیدن به قانون اساسی، آن چنان بود که تصور می رفت برای انجام رفراندوم تدارک زیادی دیده خواهد شد. اما در عمل نه تنها این گونه نشد بلکه، سیاستمداران آن چنان سنگین حرکت کردند که در انتها متوجه شدند وقت زیادی برای آنان باقی نمانده و تلاش آنها برای جلب نظر شهروندان نیز به جایی نرسید. دو رای منفی هلند و فرانسه به اتحادیه اروپایی، حداقل درسی که برای سیاستمداران اروپایی دارد این است که باید در شیوه پیشبرد کار خود تجدید نظر کنند و برای جلب نظر مردم، به آنان توضیحات کافی درباره مفاد موضوعی که به رای گذاشته می شوند بدهند. غفلت در عدم توضیح باعث نارضایی مردم شده است و در این میانه کسانی که مخالف اتحادیه اروپایی و قانون اساسی آن بودند، نه در توضیح این قانون اساسی بلکه با هدف قرار دادن دولتهایی که مردم از عملکرد آنان ناراضی بودند، به هدف خود رسیدند.

در هلند دولت دست راستی در قدرت آنچنان مورد تفر است که هر موضوع دیگری را نیز که به نظر خواهی می گذاشت با واکنش منفی مردم روبرو می شد. اعتراضات و اعتصابات پی در پی در بخشهای مختلف گویای این امر است. برخورد دولت که وظیفه برگزاری این رفراندوم را به عهده داشت، یعنی حزب دموکرات مسیحی، نقل ضرب المثل خودمانی "ماهی نمی خورای دشمنو بجسب" بود. در کارزار رفراندوم، شیوه برخورد آنان بیشتر سلبی بود و عواقب رای منفی را به شیوه بسیار ناشیانه ای به مردم گوشزد می کردند. توزیع یک دفترچه کوچک ۲۰ برگی که حداقل اطلاعات درباره قانون

اساسی را داشت، نشان از دستکم گرفتن مردم بود. کمتر کسی در بحثها و گفتگوها به مفاد قانون اساسی پرداخت و اگر چیزی نیز گفته شد، چنان کلی بود که مردم عادی از آن سر در نمی آوردند. یک نگاه گذرا به کارزار رفراندوم و مبارزات گروههای درگیر می تواند کمکی باشد به ماهیت این رای منفی.

موافقان که شامل نخبگان اجتماعی و دولتی و احزاب در قدرت یا مدعی آن هستند، چندان در آن بالا جابخش کرده اند که خود را بی نیاز از بسیاری توضیحات می دانند. آنان که سالهاست قدرت را بین خود دست به دست می کنند، بیش از این که به مردم بپردازند، به رقبای سیاسی اهمیت می دهند و لایبهای حزبی تلاش می کنند تا مسایل قبل از این که به پایین سرازیر شود، در بالا و بین خود حل و فصل گردد. یعنی همیشه در بالا تقسیم کاری وجود دارد که رویکردی به پایین یعنی مردم ندارد و یا تماس آن حداقل است و فقط حاصل این توافقات گاهی - در صورت نیاز - از طریق رسانه ها منتشر می شود. دولتیهایی که وظیفه قانونی برگزاری رفراندوم را داشتند، اگر با آن مخالف هم بودند باید با توجه به موقعیت خویش برگزاری آن را به عهده می گرفتند. در هلند این اتفاق افتاد و این خود یکی از دلایل جلب ناچیز مشتری برای کالایی شد که به فروش گذاشته بودند، ولی فروشنده چندان راغب به اینکار نبود. دولت "بالکنده" چندان بد رفراندوم را برگزار کرد که صدای اعتراض یکی از وزرای بلژیکی را هم در آورد.

مخالفان طیف رنگارنگی از راست افراطی تا چپهای تندرو را تشکیل می دهند. واقعیت این است که از برخوردها و نظرات روشنفکری جریانات چپ به قانون اساسی، راست افراطی بهترین استفاده را کرد. راستها که جریانات ضد خارجی و ضد پناهندگی سردهسته گی آنها را به عهده داشتند، افراطیون را نیز در دل خود پنهان کردند تا کسی به ماهیت نفوفاشیستی آنان پی نبرد. آنان با پشتوانه حمایت همه جانبه کلیسا در این کارزار، چهارنعل تاختند و هرچه را که در مواقع دیگر نمی توانستند به زبان آورند، زیر این چتر گفتند تا آن جا که توانستند مردم را با خود همراه کرده به دنبال خود بکشاند بدون اینکه چیزی به عواقب خطرناک این کار فکر کنند و بیاندیشند که جامعه را در چه موقعیتی

بقیه در صفحه ۱۰

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد

جعفر پویه

تجمع اعتراضی نیروهای ترقی خواه در روز چهارشنبه ۲۵ خرداد، مقابل زندان اوین برای حمایت از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی، با یورش نیروهای سرکوبگر رژیم به خشونت کشیده شد.

در این یورش نیروهای اطلاعاتی با پوشش نیروی انتظامی با برنامه ریزی حساب شده به ضرب و شتم تجمع کنندگان پرداختند و با بازداشت برخی از آنان سعی کردند تا فضای رعب و وحشت را در منطقه حاکم کنند. اما آنچه در این روز در مقابل زندان گذشت و حرکت و عمل بعضی از کسانی که در مقابل زندان اوین حضور داشتند، این درس را برای ادامه چنین حرکات و اعتراضات دموکراتیک دارد که از ادامه چند دستگی و انحصار طلبی پرهیز شود. اعضای کمیته حمایت از ناصر زرفشان و خانم اکبر گنجی باید بپذیرند که کسان دیگری جز زندانیان منصوب به آنان در سیاه چالهای رژیم زندانی هستند و با اعتصاب غذا خواهان رسیدگی به وضعیت بسیار بد خود شده اند. آیا شایسته است که در چنین موقعیتی آنان را فراموش کنیم و همه حرکات اعتراضی را با تنگ نظری به در خواست برای رسیدگی به وضعیت زندانی خود خلاصه کنیم؟

در تجمع روز چهارشنبه که دانشجویان، جوانان و نیروهای ترقیخواه بسیاری از جمله خانواده های محترم زندانیان سیاسی گذشته برای حمایت از اعتصاب غذای زرافشان و گنجی و گسترش این اعتراض برای رسیدگی به وضعیت همه زندانیان سیاسی با علاقه در محل حضور داشتند. به یکباره نیروهای سرکوبگر تجمع کنندگان را مورد یورش قرار می دهند. در این موقعیت

کسانی که خود را صاحب این اعتراض قلمداد می کنند و با بدست گرفتن امکانات تبلیغاتی از طریق رادیو ها به خبر رسانی می پردازند، به یکباره از صحنه محو می شوند و تجمع کنندگان را در برابر یورش نیروهای سرکوبگر تنها می گذارند. پرخاش خانم گنجی به بعضی از افراد و مقصر دانستن آنان در تحریک نیروهای سرکوبگر به یورش به تجمع هم کم لطفی ایشان است. اگر مردم حمایت کننده در برابر یورش نیروهای سرکوبگر به سردادن شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "نیروی انتظامی خجالت خجالت" می پردازند، مقصر و تحریک کننده آنان برای حمله بودند؟

آقای رئیس دانا و خانم زرافشان و دوستانشان چرا و به چه دلیل مدتی قبل از یورش صحنه را ترک کرده اند و به حمایت از معترضین در برابر سرکوبگران نپرداخته اند؟ سوالاتی از این دست که در تجمع این روز پیش آمده می تواند ادامه این حرکت را با عدم حمایت دیگر نیروها روبرو کند.

به هر حال جمع بندی این حرکت این حداقل درس را دارد که برای موفقیت در یک اقدام حق طلبانه این چنینی باید از انحصار طلبی و گرد کردن خواسته به موضوعی شخصی اجتناب کرد و با جلب حمایت اقشار مختلف مردم به ویژه کارگران و دانشجویان دامنه این اعتراضات را گسترده کرد، تا شانس موفقیت در بدست آوردن درخواستها بیشتر شود. همه زندانیان سیاسی و عقیدتی شایسته حمایت هستند و خواست رسیدگی به وضعیت همه آنان و آزادی شان از بند حکومت ضد انسانی ولایت فقیه باید به یک خواست همگانی و عمومی تبدیل شود.

۲۶ خرداد ۸۴

## نه به قانون اساسی اروپا، آری به ...

بقیه از صفحه ۹

قرار داده اند. راستها شعارهای ضد خارجی دادند و گفتند که یکی از راه حل های بحران کنونی، اخراج آنان است و با رای منفی به قانون اساسی اروپا این امر محقق خواهد شد.

کلیسا که مخالف قوانینی به نفع همجنس گرایان و مخالف حق سقط جنین است، با بزرگ کردن خطر ورود ترکیه به اتحادیه اروپایی، مخالفت بسیاری را برانگیخت. سالهاست که گفته می شود مذهب اجازه دخالت در سیاست را ندارد اما با یک نگاه به چارت جغرافیایی رای "نه" در هلند، می توان به این نتیجه رسید که کلیسا کار خود را کرده است. یعنی در مناطق بسیاری از کشور که تحت نفوذ آنان است، تا بیش از ۸۰ درصد رای منفی به صندوقها ریخته شده است. به دلیل این که "ترکیه مسلمان است و اگر عضو اتحادیه شود، خطر مسلمانها برای ما بسیار زیاد است و تروریستها و نیروی کار ارزان آنها جامعه ما را تهدید می کند" و "هلند کوچک است و خارجیاها را باید اخراج کرد و جلو ورود آنها را با قوانین سخت باید گرفت" و... آیا چنین رای منفی ای از نظر سیاستی انسانی قابل قبول است؟ اصلن آیا دموکراسی باید وسیله بیان ابراز چنین نظراتی باشد که سرنوشت دیگران را بازیچه دست افراطیونی از این دست قرار دهد؟ به هر حال گروههای چپ نیز از موضعی حق به جانب در مخالفت با اقتصاد نئولیبرالی، پرچم مخالفت خود را با قانون اساسی اروپا برافراشتند اما واقعیت این است که حداقل در هلند، پروسه نئولیبرالی اقتصاد بسیار بیشتر شروع شده و اثرات آن نیز اکنون خود را به نمایش گذاشته است.

سالهاست که حمل و نقل عمومی در هلند خصوصی شده و مشکلات زیادی برای بخش کم درآمد به بار آورده است. شرکتهای خصوصی در بخش انرژی دست خود را در جیبهای خالی مردم می چرخانند و در بخشهای دیگر نیز آنها سالهاست که اسب خود را می تازانند. اگر این پروسه در هلند در جریان است، برنامه و برخورد گروههایی که خود در پارلمان شرکت دارند، همچون حزب سوسیالیست با آن چیست؟ و چرا تا کنون آنها در مقابل چنین اتفاقاتی ساکت مانده اند؟ مخالفت با اقتصاد نئولیبرال، مبارزه همه جانبه و میدانی را در اروپا می طلبد. رای مخالف به قانون اساسی را "نه" به اقتصاد نئولیبرالی دانستن کمی بی انصافی است. اگر اینان برای توجیه کار ناکرده نیازمند کارنامه عمل هستند، که هیچ وگرنه این شیوه مخالفت با آن نبوده و نیست. "نه" به قانون اساسی اتحادیه اروپایی، خللی در پروسه اقتصاد نئولیبرالی به وجود نمی آورد زیرا چپها برای این کار برنامه بازدارنده ای ندارند و خصوصی سازی ادامه خواهد یافت و مدافعان آن در همه عرصه ها اتوریته خود را اعمال خواهند کرد. اما راستها که با این "نه"

قدرت بیشتری می یابند، نه تنها مخالف لیبرالیسم اقتصادی نیستند بلکه، خود بخشی از انجام این کار را به عهده خواهند گرفت و در این راستا سیاستهای ارتجاعی خود را نیز اعمال خواهند کرد. از جمله، قوانین سخت تری علیه خارجیاها وضع می کنند و سیاستهای تبعیض آمیز خود را در محیط کار پیش خواهند



برد. اخراجهای دسته جمعی به بهانه استفاده از نیروی کار خودی، اخراج و محدود کردن خارجیاها، قوانین ضد پناهندگی و ... پیامد قدرت گیری گروههای دست راستی تند رو و ضد خارجی است که در یک پیمان بی خردانه از جانب نیروهای چپ، به آن دست یافته اند. این امر به زبان کلی جامعه ای است که ما حداقلیهای حقوق دموکراتیک را در آن شاهدیم.

بدینی مردم از یک طرف و فعال بودن مخالفان از طرف دیگر، رای منفی به قانون اساسی اروپا را رقم زد. عواقب این رای منفی برای اتحادیه اروپایی آنچنان است که آن را در موقعیت بود و نبود قرار داده است. برخورد سریع و بی رودربایستی انگلیس پس از این دو فراندوم و اعلام مرگ قانون اساسی از جانب بلر یکی از این پیامدها است اما همه آن نیست. با توجه به موقعیت سیاسی حادی که جهان در آن قرار دارد. اروپا نیازمند یکپارچه گی بیشتر است تا بتواند تاثیر خود را در پروسه شکل گیری آن بگذارد. درگیر شدن اتحادیه با مسایل داخلی و تلاش برای حل و فصل آن، نیرویش را در عرصه سیاست بین الملل تحلیل خواهد برد و آنرا در موقعیت ضعیف تری نسبت به رقیبش یعنی آمریکا قرار می دهد. مشکلات خاورمیانه و بحث و کلتناج با روسیه، موضوعات اروپای شرقی و آسیای میانه از یک طرف و بحث بر سر تغییر ساختار سازمان ملل از طرف دیگر، مکانهای درگیری اتحادیه اروپایی و ایالات متحده آمریکا است. بدیهی است که اروپایی که با بحران مشروعیت روبروست باید در وحله اول به خود پردازد و آنگاه به آوردگاه بین المللی روی بیاورد. همین فضای اضافه برای گذر از این وضعیت باعث خواهد شد که آمریکا با دستی باز به فعالیت پردازد و با خاطری آسوده مناقشات مورد نظر را به نفع خود حل و فصل کند. مگر این که اروپاییها برای خود تمهیدات جدیدی بیاندیشند که با توجه به موقعیت پیش آمده بعید به نظر می رسد.

## زنان و انتخابات فرمایشی

الف. اناهیتا

در جریان انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری، ۹۸ زن نامزد شدند، اما شورای نگهبان همگی آنان را به دلیل جنسیت و زن بودنشان فاقد صلاحیت شناخت. بدین ترتیب، انتخابات کذایی در میان مانورهای فریبکارانه و تبلیغات گسترده جناحهای حکومتی از یکطرف و انفجار بمب در نقاط مختلف ایران که بیشترین قربانیان آن زنان و کودکان بودند از طرف دیگر، در هاله ای از سرکوب خشن، بی عدالتی، فقر و بحرانهای فزاینده اجتماعی و تبعیض جنسی برگزار شد.

بر اساس آمارهای موجود، بیش از نیمی از جمعیت کشورمان را زنان تشکیل می دهند. سلب صلاحیت نامزدهای انتخاباتی زن توسط شورای نگهبان بیانگر نگرش جنسیتی کاملاً عقب افتاده سران حاکمیت می باشد. رژیم با تصویب قوانین ارتجاعی تلاش کرده است زنان را در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فعالیت‌های اجتماعی از مردان جدا کند. امری که به طور مسلم تنها اهداف زن ستیزانه را دنبال نمی کند بلکه، حفظ حاکمیت ارتجاع و جلوگیری از تحقق دموکراسی در جامعه را نیز نشانه گرفته است.

تغییرات بزرگ اجتماعی بدون خمیر مایه نیروی زنان غیر ممکن است. ترقی و پیشرفت در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی و هنری یک جامعه دقیقاً با جایگاه اجتماعی این زنان اندازه گیری می شود.

حرکتهای اعتراضی مردم در هفته های اخیر، مکان ویژه ای در اخبار خبرگزاریهای جهان را به خود اختصاص داد، یکی از مهمترین آنان، تجمع روز یکشنبه بیست و دوم خرداد ماه زنان میهنمان در مقابل دانشگاه تهران در راستای طرد قوانین ضد دموکراتیک و ارتجاعی بود که در حقیقت مبنای فکری و سیاسی ارتجاع حاکم را نشانه گرفت و بر ضرورت تغییر بنیادین ساختار سیاسی صحنه گذاشت.

به گزارش روزنامه ایندپندنت، صدها زن ایرانی در مقابل دانشگاه تهران علیه تبعیض جنسی شعار دادند و انتخابات آتی ریاست جمهوری را تحریم کردند. آنان در جریان حمله نیروهای سرکوبگر رژیم برای دستگیری چندین شرکت کننده فریاد برآوردند: "خجالت، خجالت" و شعار دادند: "سرنگون باد دیکتاتوری"

بر اساس این گزارش، خانم فرنگیس رفعتی در حالیکه که پرچم تشکل زنان کرد را در دست داشت می گوید: "من این جا آمده ام تا از حقوق زنان دفاع کنم زیرا این افراد همیشه حقوق ما را زیر پا گذاشته اند... تمام نامزدهای این انتخابات یک حرف می زنند زیرا همگی از یک ماهیت برخوردارند. هیچ تفاوتی ندارد که ما در این انتخابات شرکت کنیم یا نکنیم زیرا آنان در هر حال یکی را از میان خودشان انتخاب می کنند."

خانم دیگری به نام سهیلا بسکی می گوید که نامزدهای ریاست جمهوری در رابطه با حقوق شهروندی صحبت می کنند اما بر خلاف گفته هایشان، تاکنون هیچ اصلاحاتی پیرامون حقوق زنان صورت نگرفته است. خانم سهیلا بسکی، نگارنده و ناشر ادامه می دهد: "من همیشه رای می دادم اما این بار در انتخابات شرکت نخواهم کرد."

دانشجوی خبرنگاری، خانم شفیق خانبانی ابراز می دارد: "ما علیه مردان نیستیم، ما حق خودمان را می خواهیم ... ما خواستار احترام گذاشتن و رعایت حقوق همه مردم هستیم و چون این مساله رعایت نمی شود، دست به اعتراض زده ایم."

خانم سالمندی گریه کنان ابراز می دارد که قصد پیوستن به تجمع را داشته که توسط ماموران مورد کتک و آزار قرار گرفته است.

بر اساس این گزارش، عده ای در سوی دیگر خیابان شعراهایی مبنی بر تحریم انتخابات ریاست جمهوری و علیه هشت نامزد انتخاباتی که توسط شورای نگهبان مجاز شناخته شده اند، می دادند.

بر اساس گزارش دنور پست، سیزدهم ژوئیه، عده ای از زنان توسط ماموران پلیس دستگیر شده و با ماشین ماموران از محوطه تجمع به مقصد نامعلومی برده شده اند. نیروهای پلیس همچنین با ضرب و شتم مردم با باتون، مانع پیوستن آنان به تجمع زنان شده اند. بیش از دویست و پنجاه زن و مرد که قصد پیوستن به تجمع اعتراضی زنان را داشتند، با توسل به زور متفرق شدند. خیابانهای اطراف میدان انقلاب توسط ماشین بسته شده است تا بدین طریق، مانع پیوستن مردم به تجمع زنان شوند. بر اساس گزارش شاهدان عینی، دست کم یک نفر دستگیر و ده نفر به شدت با ضربات باتون مجروح شده اند.

نگاهی گذرا به تاریخ جنبشهای معاصر میهنمان گواهی می دهد که زنان مبارز و پیشرو ایرانی همواره در مبارزه علیه

تبعیض جنسی و برای استقرار دموکراسی، برابری و عدالت اجتماعی حضور گسترده ای داشته اند و نقش مهمی در تغییر ساختارهای اجتماعی ایفا کرده اند. آنان همزمان، با تاریخ مردسالار، تاریخی

توام با نابرابری جنسی، چهل و قید و بندهای کشنده مذهبی و زن ستیزانه که در تار و پود زندگی خانوادگی و فرهنگی تنیده شده است، به نبرد پرداخته اند. در این مسیر، زنان بارها به خاطر انتخاب رهایی در مقابل بندگی و خرد در مقابل چهل، شکنجه شده، چوبه دار را بوسه زده یا بر سکوی تکفیر ایستاده اند. اما به رغم این مبارزه و پیکار، به دلیل ساختار حاکمیت سیاسی قرون وسطایی حاکم نتوانسته اند جایگاه واقعی و شایسته خود را در روند تصمیم گیری داشته باشند. از زمان استقرار ساختار دیکتاتوری مذهبی ولایت فقیه بر میهن ما، زنان تلاش کرده اند علیه تصویب قوانین ارتجاعی که زنان را شرعاً موجودی نصف مرد و "برده خانگی" محسوب می کند، به مبارزه بپردازند. از آنجا که در حرکت‌های کمی جوانه حرکت‌های کیفی وجود دارد، پایوران رژیم تجلی اولین جوانه های کیفی این جنبش را در مقابل دانشگاه تهران دقیقاً قبل از انتخابات فرمایشی، لمس کردند.

حرکت اخیر زنان، یک "نه" بزرگ به انتخابات فرمایشی بود و همزمان، آگاهی زنان از فریبکاریهای یک جناح رژیم را به نمایش گذاشت. این جناح تلاش می کند مسایل زنان را در چارچوب مسایلی فرهنگی و نه سیاسی و کاملاً زنانه بگنجانند تا از سیاسی شدن جنبش زنان جلوگیری کنند. زنان در حرکت اخیر، کل حاکمیت را به چالش کشیدند و نشان دادند که حقوق زنان قبل از این که حقوقی صنفی باشد، حقوقی سیاسی است و نقض حقوق زنان در ایران ریشه در ساختار سیاسی و فرهنگی رجال طبقه حاکم دارد.

برخی نامزد های رژیم تلاش کردند با توسل به فریبکاریهای کهنه ای همچون دفاع بی پایه از حقوق زنان و انتخاب زن به عنوان دستیار، آرای زنان را به خود اختصاص دهند اما از آنجا که زنان هشت سال ریاست جمهوری خاتمی را تجربه کرده اند، دیگر بار گول قول و قرارهای بی اساس را نخواهند خورد. حرکت اخیر نشان داد



که جنبش زنان میهن ما سلاهست که با کسب تجربیات پی در پی راه خود را از تمامی دسته بندی های رژیم جدا کرده و در تلاش پی ریزی جنبشی مستقل در راستای استقرار آزادی، برابری و عدالت اجتماعی است و راه حل برون رفت از بحرانهای عمیق اجتماعی و رهایی یافتن از ستم ظالمانه بر زنان را نه در "آرامش فعال" بلکه، در هر چه رادیکال تر کردن جنبش اجتماعی مردم ایران، جستجو می کند.

تصور رسیدن به یک ساختار سیاسی دموکراتیک که به حقوق شهروندی و حقوق زنان احترام بگذارد و آن هم در روندی متکی به نصیحت و مذاکرات مخفی پشت پرده و زد و بندهای "خودی" ها، در چارچوب رژیم استبدادی که اساس حیاتش بر سرکوب خشن آزادی اندیشه قرار گرفته چیزی جز خیال باطل نیست.

از آنجا که مساله ستم بر زنان با مسایل طبقاتی گره خورده است، هیچ کدام از نامزدهای انتخابات فرمایشی راهکاری عملی و علمی برای حل پدیده های ناشی از سیاستهای زن ستیزانه "نظام" و از آن جمله حق طلاق، بحران بیکاری، قتل‌های ناموسی، تن فروشی و فرار دختران و ... ارایه نمی دهند؛ زیرا اصولاً چنین راهکارهایی با منافع طبقاتی آنان سازگار نیست و نخواهد بود. مسلمان تحقیر زنان یک کانون محوری بربریت دیکتاتوری مذهبی حاکم را تشکیل می دهد. رفع تبعیض جنسی در ساختاری که ولایت فقیه، مظهر استبداد فردی و مذهبی، در شریانش جاریست و تصمیم گیرنده مطلق است، ممکن نخواهد بود.

حرکت اخیر زنان نشان داد که جنبش زنان با ایجاد تشکلهایی مستقل و جدا از زد و بند های درونی رژیم، حول یک محور گرد آمده تا برای مطالبات دموکراتیک خود مبارزه کند. تلاش مردم برای پیوستن به تجمع اعتراضی زنان بیانگر هوشیاری مردم ایران در شرایط سیاسی بسیار پیچیده کنونی

بقیه در صفحه ۱۳

## زنان در مسیر رهایی

الف. اناهیته

### منشور دفاع از حقوق زنان به سوییس وارد شد

سوییس اینفو، دهم جون ۲۰۰۵ سفری که از هشت مارس امسال توسط گروهها و سازمانهای سیاسی غیردولتی در دفاع از حقوق زنان شروع شده به کشور سوییس رسید. این مسافران قصد دارند به پنجاه کشور جهان در طی هفت ماه سفر کنند. این دومین بار است که مدافعان حقوق زنان به چنین حرکتی دست می زنند، اولین بار در سال ۲۰۰۰ به وقوع پیوست.

منشوری که توسط تشکیل دهندگان این حرکت فراهم شده است بر اساس خواسته های سیاسی و قواعد کلی کشورهای مختلف و بخش های متفاوت کشورها می باشد. این منشور سمبل اتحاد عمل بین گروه های مدافع حقوق زنان در جهان است.

این حرکت جهانی در تاریخ ۱۷ اکتبر امسال که مصادف با روز جهانی فقر می باشد در بورکینا فاسو، یکی از فقیرترین کشورهای جهان به اوج خود خواهد رسید.

مدافعان حقوق زنان از سوییس به عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان خواسته اند که معاهده ای بر اساس کمک مالی به کشورهای فقیر تهیه کرده و به ثبت برساند، علاوه بر این زنان به بیست شهر در سوییس سفر کرده و منشور خود را به اطلاع زنان و گروههای مدافع حقوق زنان در این کشور خواهند رساند و در همین راستا بر نگرانیهای زنان سوییس برای رهایی یافتن از آزار و اذیت های فیزیکی، روحی و جنسی و خواسته های زنان همچون حقوق بازنشستگی برابر با مردان و برابری مزایا برای خانواده هایی که دارای کودک هستند، تمرکز خواهد کرد.

به گزارش هماهنگ کننده این سفر جهانی در سوییس، پیوستن زنان و تاثیر این حرکت بیش از آنچه آنان تصور می کردند، بوده است.

منشور این ائتلاف جهانی، همه زنان و مردان را به دفاع از حقوق بشر فرا می خواند و از تمام گروهها و سازمانهای اجتماعی می خواهد که با پیوستن به این حرکت قدرت خود را برای تغییرات بنیانی و اصلاحات ساختاری منوط بر برابری، صلح، آزادی، اتحاد و عدالت اجتماعی، اظهار دارند.

به علاوه از تمام حرکت های مترقی اجتماعی خواسته است که در راستای

ترقی این ارزشها قدرتهای سیاسی جهان را به مبارزه فرا خوانند و دولتمردان را وادار به رعایت این ارزشها و اصول کنند.

این حرکت در طی ارتباط و همکاری پنج هزار گروه مدافع حقوق زنان در ۱۶۳ کشور به منظور پایان دادن به فقر و خشونت بر علیه زنان، سازماندهی شده است.

### عربستان سعودی در رابطه با لغو قانون عدم اجازه رانندگی زنان این کشور به بحث و گفتگو پرداخته است

ماکا تایمز، دهم جون ۲۰۰۵ یکی از اعضای شورای مشورتی دولت عربستان سعودی درخواست خود



مبتنی بر لغو قانون تحریم زنان از رانندگی را، به این شورا تسلیم کرد. بر اساس این گزارش این حرکت باعث شده که او را به مرگ تهدید کنند. بعضیها خواستار اخراج وی از این شورا که قادر است قوانین را تغییر داده و قوانین بهتری جایگزین آن کند، شده اند. وی در مصاحبه ای با خبرنگاری رویتر ابراز داشته است که چنان با نظر من مخالفت شده که مثل این می ماند که من گفته ام زنان در خیابان ها برهنه شوند!!

بسیاری از همکاران محافظه کار وی ادعا می کنند که لغو چنین قانونی باعث ملاقات دختران با مردان غریبه خواهد شد و این موضوع خلاف سنتهای مذهبی کشور است. موافقان ابراز می دارند که این موضوع بیشتر از آنکه ماهیت مذهبی داشته باشد، یک مسأله اجتماعی است و اگر مردم با این ترقی موافقت باید موانع را از جلوی راه برداشت. یکی از شیخهای این کشور عنوان کرده است که ما هرگز نگفته ایم که رانندگی زنان حرام است، بلکه می گوئیم که رانندگی برای دختران ما مناسب نیست!!

بر اساس این گزارش این نقطه نظرها در سال ۱۹۹۰ دلیل خشمگین شدن زنان و به برگزاری تحصن گسترده ای

توسط آنان در سراسر کشور منجر گردید که پایه های قلمرو پادشاهی عربستان سعودی را به لرزه در آورد. یکی از خانمهای طرفدار حقوق زنان می گوید: مردم می توانند به حق تحصیل برای دختران عادت کنند، آنها می توانند به رانندگی زنان نیز در جامعه عادت کنند. بحث ما این است که لغو چنین قانونهایی نمودی از تجلی آزادی، پویایی و دستیابی زنان به حقوق خود می باشد.

بسیاری از خبرنگاریها و روزنامه های محلی عربستان سعودی پیرامون این مسأله به بحث و گفتگو نشسته اند. چندی پیش تصویر یک زن سعودی که در حال رانندگی در کویر می باشد در صفحه اول روزنامه ای به چاپ رسید که در زیر عکس با حروف درشت نوشته شده بود: به آنان اجازه بدهید اهرم سکان را در دست خود بگیرند.

جامعه اقلیت لیبرال کشور امیدوارند که این قانون لغو گردد و به زنان اجازه رانندگی داده شود زیرا این مسأله برای اقتصاد کشور نیز سود آور خواهد بود. بر اساس این گزارش استفاده از مبلغی بیشتر از ۲،۳ میلیارد دلار در سال تخمین زده شده است.

مشاور وزیر نفت کشور می گوید بدیهی است که رشد اقتصادی کشور ما به نقش و حقوق برابر زنان با مردان در کشور، بستگی دارد.

زنان عربستان سعودی که با لغو این قانون موافقت در مصاحبه ای با خبرنگاری رویتر ابراز داشته اند که چه اجتماع این موضوع را بپذیرد، چه نپذیرد، قانون باید اجازه رانندگی کردن را به ما بدهد... نظیر همین موضوع در سال ۱۹۶۰ بود که بر خلاف موافقت اکثریت جمعیت کشور و اعتراض آنان، دولت قانون حق تحصیل برای دختران را تأیید کرد... دولت باید این قریحه و ابتکار را به کار ببرد و اگر عده ای نخواستند رانندگی کنند، این مسأله شخصی آنان است... این موضوع بسیار احمقانه و تحقیر آمیز است و چهره ای بسیار زشت در افکار عمومی جهان نسبت به عربستان سعودی ایجاد می کند.

### برزیل بالاترین رقم خشونت بر علیه زنان را داراست

پرس تراست از ایندیا، هشتم جون ۲۰۰۵

بر اساس گزارش تشکل دفاع از قربانیان خشونت، ۲۵ درصد از زنان برزیلی قربانیان خشونت هستند. بر اساس این گزارش هفتاد درصد این قربانیان توسط همسران خویش به قتل

می رسند و اکثریت این قربانیان بعد از اینکه نزدیک به ده بار مورد خشونت فیزیکی قرار گرفتند تصمیم به شکایت کردن می گیرند.

### مدافع حقوق زنان رای دادگاه مبنی بر متهم بودنش را غیر معتبر خواند

بوفالو نیوز، پنجم جون ۲۰۰۵ یکی از مدافعان سرسخت حقوق زنان در کشور بحرین به اتهام نکوهش کردن قانون شریعت دستگیر شد. وی در دادگاه، خود را مجرم نخوانده و همه اتهامات وارده را رد کرد. این موضوع نظر فعالان بین المللی حقوق بشر را به خود معطوف کرده است.

خانم قادا جمشیر در طی سالهای متعددی بر علیه استفاده از قوانین شریعت مذهب اسلام در دادگاههای خانوادگی تبلیغ می کند. بر اساس این گزارش تعدادی از زنان بحرینی برای حمایت از وی در دادگاه حضور پیدا کردند. خانم قادا جمشیر در رابطه با اتهام وارده ابراز کرده است که می خواهند من دهانم را ببندم اما آنان هرگز نمی توانند مانع آزادی بیان من شوند... وی قاضیهای دادگاه را فاسد و نالایق خوانده و ادامه می دهد من زندان رفتن را به ادامه زندگی همراه با محدودیت و تحمل نقض حقوق زنان، ترجیح می دهم.

### زنان در کشور ماراکو تلاش می کنند تا حقوق زنان را توسعه دهند

تایمز ریکورد، چهارده ماه جون ۲۰۰۵ تشکل غیر دولتی مدافع حقوق زنان در کشور ماراکو که برای بالا بردن آگاهی زنان تلاش می کند در پایان ماه اپریل امسال بیانیه ای مبنی بر تغییر قوانین این کشور پیرامون مسایل زنان انتشار داده است. توضیحاتی در رابطه با نقض حقوق زنان در قانون این کشور و تغییر سریع آنان ایراد شده است.

با وجود فرمهایی که از طرف شاه محمود در این رابطه از جمله بالا بردن حداقل سن ازدواج دختران از ۱۵ سال به ۱۸ سال و... بسیاری موضوعات دیگر همچون چند همسری و عدم حقوق برابر زنان با مردان در زمان طلاق از جمله مسایلی است که باعث نگرانی مدافعان حقوق زنان می باشد.

در جامعه این کشور شکاف عمیقی بین موافقان و مخالفان وجود دارد سیصد هزار نفر در حمایت از تغییرات قوانین بقیه در صفحه ۱۳

## رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

## آخرین روزهای میکال آنژ

گالری ملی لندن از تاریخ ۲۳ فوریه تا ۲۲ ماه مه، به مدت سه ماه تنها ۱۶ اثر میکال آنژ را که در روزهای آخر زندگی اش خلق کرده بود، به نمایش گذاشت. با وجود این تعداد کم، بلیطهای دیدار از این آثار، پیش فروش شده بود. این نمایشگاه به آثار ۴ سال آخزندگی این هنرمند که در تبعید به سر می برد، اختصاص داده شده بود. این استقبال از اهمیتی فراتر از دیدار از تنها یک نمایشگاه برخوردار بود. میکال آنژ برای کشاندن واقعیت به تصویر، جاذبیت دراماتیک، رابطه جنسی نزدیک و حرکات خشونت آمیز را در هم می آمیخت. او واقعیت فیزیکی افرادی که در اطرافش بودند را این چنین می دید. تصاویر بی پرده و سنت شکن او آنچه که طی یک قرن پیش متداول بود و غالباً تصاویری از مشاهدات و علائم مذهبی را در بر می گرفت را زیر پا می گذاشت.

میکال آنژ در سن ۳۵ سالگی به جرم قتل فردی در دولت محکوم به مرگ شد. پس از این محکومیت او از رم گریخت و بقیه عمر خود را برای پخشوده شدن و بازگشت به رم تلاش کرد. چهار سال بعد از جهان رفت. این نمایشگاه به آفریده های او در خلال این چهار سال اختصاص یافته بود.

## رونق فیلمهای مستند

احمد ضابطی جهرمی، یکی از مستند سازان با سابقه ایرانی می گوید، موج جدید تولید فیلمهای کوتاه و مستند در کشور در حال شکل گیری است.

او توضیح می دهد، این موج که توسط جوانان خلاق در سینما پایه ریزی شده، بر گسترش تولید و جریان خلاقانه فیلم در سینمای ایران تأثیرگذار است. او همچنین به ضعف ساختار در آثار مستند ایرانی اشاره کرد و ادامه می دهد: "ابعاد در ساختار فیلم کمتر در سینمای مستند صورت می گیرد و مستندسازان در دستیابی به نگاه خاص به موضوعهای سینمایی دارای ضعف هستند." کارگردان فیلم مستند "یوزایرانی" همچنین به ضعف دسترسی به منابع علمی و پژوهشی درباره سینمای مستند اشاره کرده و می افزاید: "متأسفانه مجموعه تالیفات و کتابهای ترجمه شده در زمینه سینمای مستند در ایران، ۱۱ جلد کتاب است که از این تعداد تنها دو عنوان درباره سینمای مستند ایران نگاشته شده است."

## جشنواره فیلم کوتاه

هفت فیلم کوتاه ایرانی در جشنواره فیلم کوتاه تحت عنوان "جشنواره ملتها" در شهر ایزنه" اتریش از تاریخ ۱۹ تا ۲۵ ژوئیه (۲۹ خرداد تا ۴ تیر)، شرکت می کند. همه ساله بیش از ۷۰۰ فیلم از بیش از ۵۵ کشور در این جشنواره شرکت می کنند. در جشنواره امسال، فیلمهای "قطار محلی" اثر فرهاد مختاری، "فال قهوه" اثر سارا

سیدان، "سبز، قرمز، آبی" از سعیده نیک اختر، "سوم شخص مفرد" کار ناصر ضمیری، "خط آزاد" اثر نفی همتی و دو فیلم تولید انجمن سینمای جوان ایران به نام فلاش بک" و فیلم کارتون "بیشه" شرکت دارند.

جایزه ویژه جشنواره، شرکت رایگان تهیه کننده فیلم یا یکی از اعضای گروه برنده در جشنواره سال آینده است.

در سال آینده میلادی، جشنواره ملتها از ۱۸ تا ۲۴ ژوئیه در اینزه برگزار خواهد شد و علاقمندان می توانند حداکثر تا اول ماه مارس برای شرکت در آن ثبت نام کنند.

## شان پن در ایران

شان پن، هنرمند معروف و محبوب سینمای هالیوود، به عنوان خبرنگار روزنامه سانفرانسیسکو کرونیکیال برای پوشش خبری انتخابات ریاست جمهوری به ایران سفر کرد. او در نماز جمعه تهران از این مراسم گزارشی تهیه کرد.

شان پن در کنار کار سینمایی همچنین یکی از فعالان پُر کار ضد جنگ است و شهرت خود را برای جلب نظر ها به صلح و حقوق بشر به کار می گیرد.

شان پن در مصاحبه ای که با رفسنجانی داشته است از او در باره کاندیداهایی که شورای نگهبان از آنها رد صلاحیت کرد سوال می کند. رفسنجانی با روش حبله گرانه همیشگی اش پاسخ می دهد: "ما ۸ کاندیدا برای پُست ریاست جمهوری داریم و شما دو تا داشتید. اگر به تعداد باشد پس ما از شما جلوتر هستیم."

شان پن در هنگام حضور در نماز جمعه به شعار مرگ بر آمریکا گوش داد و گفت، این شعارها به ایجاد دیالوگ بین ایران و آمریکا ضربه خواهد زد.

وی در گفت و گو با خبرنگار گروه فرهنگی ایرنا افزود: "شناخت من از سینمای ایران به آثاری که در ایالات متحده به نمایش درآمده و برخی از جشنواره های خارجی بر می گردد." این بازیگر هالیوود که دوسال پیش برای نقش آفرینی در فیلم "رودخانه رموز"، ساخته کلینت ایستود، جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد را دریافت کرد، تندیس خانه سینما و لوح موزه سینمای ایران را در سفر به ایران دریافت کرد.

آخرین فیلم پن با عنوان "مترجم" با بازی "نیکول کیدمن" و به کارگردانی "سیدنی پولاک" در حال اکران است.

## انتشار جلد ششم هری پاتر

درحالی که هنوز یک ماه دیگر تا توزیع جلد جدید سری داستانهای "هری پاتر" باقی مانده است، تاکنون بیش از نیم میلیون نفر این کتاب را پیش خرید کرده اند.

به گزارش شبکه تلویزیونی سی ان ان، خانم "جی کی رالینگ"، نویسنده سری داستانهای هری پاتر، ششمین اثر خود را "هری پاتر و شاهزاده ناتنی" نام گذاری کرده و این کتاب روز ۱۶ ماه ژوئیه (۲۵ تیرماه) به بازار کتاب عرضه خواهد شد.

بقیه در صفحه ۴

## زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۲

به نفع زنان در مقابل پارلمان این کشور دست به راهپیمایی زدند در صورتی که در سال ۲۰۰۰ تجمع عظیمی توسط زنان و مردان این کشور بر علیه این تغییرات برگزار گردید. مخالفان ابراز می دارند که تغییرات در قوانین برای فرهنگ و سنت کشور خطرناک است.

در طی سالهای اخیر این کشور با رشد روزافزون گروههای سنتی و افراط گرا روبرو شده است. بر اساس تحقیقات وسیع یکی از بزرگترین تشکلهای غیر دولتی مدافع حقوق زنان، بسیاری از این مخالفتها از روی ناگاهی است و تاکید می کند که آگاهی دادن یکی از مهمترین کلیدهای موفقیت در جامعه ما می باشد.

تشکلهای غیر دولتی زنان در این کشور شدیداً به طور منظم با برگزار کردن نشست و کلاس های درس در تلاشند که زنان را از رفرم هایی که تا کنون صورت گرفته و آنان می توانند از آنان سود ببرند و همچنین رفرم هایی که در آینده می بایست به وقوع بپیوندد، آگاه می سازند. منشوری که جدیداً توسط یکی از این تشکل های غیر دولتی تهیه شده به سه زبان ترجمه و پخش شده است.

بر طبق این گزارش علی رغم آنچه در قانون به نفع زنان در سالهای اخیر نوشته شده، در پروسه واقعی و حقیقت جامعه نهادینه شدن بسیاری از این قوانین پیش از هر چیز به تلاش و کوشش تشکل های غیر دولتی مدافع حقوق زنان در این کشور، بستگی دارد.

## معترضان به آزار و اذیت

زنان در مصر دست به راهپیمایی زدند

دیلی استار، اول جون ۲۰۰۵ تقریباً پانصد خبرنگار مصری، فعالان حقوق بشر، اشخاص نامدار و نویسندگان همراه با مردم به آزار و اذیت زنان در طی رفراندومی که در این کشور برگزار شد، دست به راهپیمایی زدند.

در طی این راهپیمایی مردم خواستار اخراج وزیر امور داخلی این کشور، حبیب الدالی شده اند. یک خانم آموزگار که در این راهپیمایی شرکت کرد خطاب به خبرنگاران می گوید ما تا زمانی که به مساله آزار و اذیت زنان در طی برگزاری رفراندوم به صورت قانونی رسیدگی نشود و مسئولین این عمل وقیحانه معذرت خواهی

نکنند و به سزای اعمال خود نرسند، دست از اعتراض خود بر نخواهیم داشت.

بر اساس این گزارش، افرادی که بر علیه مبارک در این کشور اقدام به برگزاری راهپیمایی کرده و رفراندوم را تحریم کرده اند توسط گروههای مشکوکی مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند و ماموران دولتی نه تنها مانع آنان نشده بلکه به بیانی دیگر همراه با آنان به آزار و اذیت مردم مخصوصاً زنان معترض، اقدام ورزیده اند. در طی این آزار و اذیت بسیاری زنان مورد خشونت فیزیکی و آزار و اذیت های جنسی قرار گرفته اند و بر اساس گزارش شاهدان عینی لباس زنی را پاره و در انظار عمومی او را برهنه کرده اند.

## زنان و انتخابات

## فرمایشی

بقیه از صفحه ۱۱

است. مردم به درستی می دانند که تحقق دموکراسی بدون احترام به حقوق زنان امکان پذیر نخواهد بود.

زنان آگاه میهنمان راهی جز فعالیت سیاسی و مشارکت در مبارزه سراسری بر ضد رژیم ارتجاعی و زن ستیز جمهوری اسلامی ندارند زیرا معضلات بیشمار آنان پدیده ای خارج از مجموعه روابط حاکم و جدا از روندهای کلی جامعه نیست و کاملاً جنبه و ماهیت سیاسی دارد و از این رو، تنها با تغییرات بنیادین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می توان راه را برای تثبیت جایگاه زنان در جامعه باز کرد؛ جامعه ای که زنان نسبت به میزان جمعیتشان در بالاترین

نهادهای تصمیم گیری سیاسی آن دخالت کنند و سهیم باشند.

تجمع اخیر زنان در راستای نفی تبعیض جنسی، طرد اندیشه سیاسی حاکم و انتخابات فرمایشی رژیم بود. این حرکت اعتراضی، تغییر روابط طبقاتی حاکم و جایگزین کردن حکومتی سکولار و دموکرات که به حقوق شهروندی همه افراد جامعه فرا از جنسیت، نژاد و قومیت احترام بگذارد را هدف گرفته بود و می بایست از طرف سازمانها و احزاب مترقی مدافع حقوق زنان مورد حمایت قرار گیرد.

## رویدادهای هنری

بقیه از صفحه ۱۳

## کتاب "پاپ و مرد مرتد"

کتاب "پاپ و مرد مرتد" پیرامون زندگی واقعی چوردانو برونو، نوشته "مایکل وایت" و ترجمه "فروغ پوریوری"، توسط انتشارات روشنگران و مطالعات زنان منتشر شد.

مایکل وایت در این کتاب با تجزیه و تحلیل استوار، مستدل، غنایی و بررسی علمی و ناب به روایت زندگی و مرگ رزمنده‌ای بی‌سلاح در تقابل با بی‌خردی و تعصبات کور می‌پردازد. این نویسنده در اثر خود، روایتگر زندگی و مرگ چوردانو برونو، کشیش روشنفکر و حقیقت جویی است که در زیر شکنجه‌های وحشتناک تا آخرین لحظه مقاومت کرد و تسلیم نشد. و سرانجام او را در تلی از آتش سوزاندند.

در مقدمه این کتاب به قلم مولف می‌خوانیم: "سالها روح چوردانو برونو بر وجودم سنگینی کرده است. او یکی از آن شخصیت‌های تاریخی است که مدام به نحوی مرموز، در آنچه لاقبل به ظاهر مربوط به سرگذشت سایر مردمان است، پدیدار می‌شوند."

## فیلم جنگ ستارگان

فیلم "جنگ ستارگان، انتقام سیت"، ساخته "جرج لوکاس" کارگردان آمریکایی، در سه روز نخست اکران خود رکورد فروش در سینماهای آمریکای شمالی را شکست

## عکسهای شادی قدیران

صدای آلمان

در تاریخ نهم ژوئن ۲۰۰۵، نمایشگاه عکسهای شادی قدیران در گالری "ذهن سرکش" در برلین پایتخت آلمان گشایش یافت. این نمایشگاه در چارچوب معرفی آثار هنرمندان جوان و پیشرو ایرانی برگزار می‌شود. سال گذشته در جریان جشنواره ی فرهنگی - هنری "نزدیک دور دست" در برلین، بازدیدکنندگان این جشنواره با عکسهای شادی قدیران از نزدیک آشنا شده بودند. آثار شادی قدیران، عکس به معنای متعارف کلمه نیست. تصاویر آفریده ی وی، ترکیب جذابی از عکس و نقاشی و طراحی است. زن ایرانی و هویت او، موضوع اصلی عکسهای شادی قدیران را تشکیل می‌دهد. پیکار میان سنت و تجدد، در کانون چنین موضوعی ایستاده است. ارزشها و عنصرهای بازدارنده ی سنتی به مثابه موانع اصلی شکوفایی شخصیت زن در جامعه ای در حال گذار، در آثار شادی قدیران برجسته می‌گردد. وی دوپاره گی هویت زن ایرانی را در برزخ میان دو نظام ارزشی متضاد و متناقض به تصویر می‌کشد. در مجموعه ی جدید عکسهای شادی قدیران که تحت عنوان "تو" در برلین

به نمایش گذاشته شده است نیز تضاد میان عنصرهای سنت و تجدد بازتاب می‌یابد. شکاف و جدایی میان حوزه های حیات خصوصی و اجتماعی در زندگی روزمره ی ایران در این آثار به چشم می‌خورد. تماشاگر با تصویری از زنان پیچیده در پوشش سنتی در پشت شیشه روبرو می‌گردد. اما شیشه از شفافیت لازم برخوردار نیست، رنگ سفیدی که با قلم مو بر آن کشیده شده، آن را به گونه ای کدر می‌سازد که تصویر زنان در پشت آن به روشنی قابل رویت نیست. این رنگ سفید را به چه می‌توان تعبیر کرد؟ سانسور؟ نیروهایی که خواهان راندن زنان از گستره ی عمومی هستند؟ عنصرهای بازدارنده ی سنت؟ موانع ناشی از ارزشهای مردسالانه ی جامعه ی ایران؟ اینها پرسش هایی است که بیننده خود باید پاسخی برای آنها بیابد.

## درگذشت پاستور وگا تورس سینماگر کوبایی

پاستور وگا تورس، سینماگر کوبایی و یکی از چهره‌های اصلی صنعت سینمای کوبا در دهه‌های اخیر، روز پنجشنبه ۲ ژوئیه در سن ۶۵ سالگی در شهر هاوانا

پاستور وگا تورس در ۱۲ فوریه سال ۱۹۴۰ در شهر هاوانا متولد شده بود. او با دیزی گرانادوس، بازیگر مشهور سینمای کوبا ازدواج کرد که از این پیوند صاحب ۲ فرزند پسر شد. یکی از پسرانش آرون وگا از بازیگران و کارگردانهای مشهور کوبا محسوب می‌شود.

از فیلمهای مشهور پاستور وگا می‌توان از "چهره ترز"، "هابانورا"، "علاقه در زمین مین‌گذاری شده"، "در هوا" و "زندگیهای موازی" نام برد.

## اعتراض سیمین بهبهانی

آنگونه که سیمین بهبهانی، بانوی شعر امروز ایران می‌گوید، گویا در جریان انتخابات از شعر شاعرانی مانند نیما یوشیج و احمد شاملو و خود ایشان نیز استفاده‌های تبلیغاتی می‌شود. از جمله این شعرها، شعر «دوباره می‌سازمت وطن» از سیمین بهبهانی است که در سال ۱۳۶۰ سروده شده و برای نخستین بار به همراه شعر «کوچه» در مجله «چراغ» خانم سیما کوبان منتشر و باعث توقیف آن نشریه شد. شعر «دوباره می‌سازمت وطن» در خارج از ایران، توسط داریوش خواننده شد و شکل سرودی ملی را به خود گرفت. خانم بهبهانی در این باره گفت: "من البته تا دو سه روز پیش اطلاعی نداشتم و خوشحالم که شعر من بعد از اینکه ۱۴ سال در وزارت ارشاد خاک خورده بود و ممنوع بود، حالا در خارج از کشور برایش خوانندگان زیادی پیدا شده و همینطور به صورت سرود درآمده است و حالا هم به ایران رسیده

و خوشبختانه مقامات ایرانی هم شعر دوست شده‌اند و از شعرهای نیما و شاملو و شعرهای فروغ برای تبلیغاتشان استفاده کرده‌اند و بسیار تبلیغات گسترده ای از این راه کرده‌اند و «دوباره می‌سازمت وطن» هم از این قسمت بی نصیب نمانده است. به‌رحال من خبر نداشته‌ام و حیرت هم می‌کنم و خوشحال هم هستم از این شعر دوستی مردم و اصالتا از طرف خودم و وکالتا از طرف نیما، شاملو و فروغ و دیگر شاعران، حیرت و اعتراض خودم را اظهار می‌کنم." او می‌افزاید: "اصلا من که اعلام کرده بودم که در انتخابات شرکت نمی‌کنم، دیگر چرا باید هزینه‌ی آن را با شعر بپردازم." اما واژه‌ی «اعتراض» از نظر سیمین بهبهانی معنایی حقوقی ندارد و ایشان از آن شکایت بردن به دادگاه را مراد نمی‌کند، بلکه: "اینکه گفتم اعتراض، کمی هم جنبه‌ی شوخی داشت. من نه هیچیک از این کاندیداها را می‌شناسم، نه در انتخابات شرکت می‌کنم، برای اینکه شکل انتخابات را درست نمی‌دانم و منتظرم قانون اساسی اصلاح بشود و انتخابات مطابق شرایط عادلانه‌ای انجام بشود."

## گشت و گذاری مستند در صحنه موسیقی استانبول

فاتح آکین فیلمساز ترک‌تبار آلمانی که در سال گذشته با فیلم "علیه حصار" جایزه خرس طلایی جشنواره فیلم برلین را از آن خود کرده بود، مستندی جدید درباره صحنه موسیقی استانبول ساخته و به گرایشهای گوناگون موسیقی در این کلانشهر پرداخته است. این فیلم که "گذر از پل - صدای استانبول" نام دارد، چندی پیش در جشنواره فیلم کن به نمایش در آمد و اکران آن نیز حال در سینماهای آلمان آغاز شده است. او با همراهی الکساندر هاگه، یکی از بنیانگذاران گروه راک آلمانی Einstürzende Neubauten، راهی خیابانها و کوچه پس کوچه های استانبول می‌شود تا موسیقی زیر پل آسیا و اروپا را کشف کند. فاتح آکین و الکساندر هاگه در حین گذارشان از کوچه های استانبول به گروههایی چون Baba Zula برمی‌خورند که موسیقی Jazz را با ریتمهای شرقی و ترکی پیوند می‌دهد و نیز با گروههایی روبرو می‌شوند که در سبک راک و هیپ هاپ فعالیت دارند.

برخلاف غرب، موسیقی راک در ترکیه هنوز هم وسیله ای است برای بیان عصیان و شورش. به عقیده این فیلمساز ترک‌تبار، موسیقی Rock & Roll جهان را دگرگون کرده و هنوز هم متحول می‌کند. به عقیده فاتح آکین، موسیقی هنوز هم این توان و نیروی سازنده را دارد که جهان را دگرگون کند.

دیدار و گفتگوهای بیشمار با نوازنده ها و موزیسینهای استانبول، فاتح آکین را به شدت تحت تاثیر قرار داده و آگاهی سیاسی تازه ای نیز به او بخشیده است. به گفته وی، در این صحبتها مساله عضویت آتی ترکیه در اتحادیه اروپایی نیز مطرح شد و همه موزیسینها و نوازنده ها نسبت به پیوستن کشورشان به این اتحادیه ابراز بی میلی کردند. وی در این باره میگوید: "راستش، موزیسینها و نوازنده ها معمولا آزاداندیش هستند و گرایشهای چپی دارند. تمامی آنها کم و بیش مخالف جهانی شدن هستند و به این پدیده و روند، با دید شک و تردید مینگرند." به این بحث های سیاسی نپرداخته است

## باب گلدوف: هدف احقاق عدالت سیاسی برای محرومان این جهان است

باب گلدوف، یکی از چهره های پُرسابقه موسیقی راک که بیست سال پیش کنسرت عظیم Live Aid را برای کمک به آفریقا برنامه ریزی و برگزار کرده بود، بار دیگر فعال شده و اعلام کرده که بزرگان پاپ و راک را دوباره برای کمک به قاره سیاه بسیج کرده است. گروه ها و هنرمندان صاحب نامی چون R.E.M., U2, Bon Jovi, Robbie Williams, Sting و Elton John، گلدوف را در اجرای این پروژه عظیم که Live Aid نام دارد یاری خواهند کرد.

گلدوف بخوبی می‌داند، چگونه می‌توان همکاری بزرگان پاپ و راک را برای انجام کاری نیک جلب کرد. در سال ۱۹۸۵ بود که او با یاری بسیاری از همکارانش، کنسرت عظیم Live Aid را برگزار کرد و تمامی پولی که از طریق آن جمع آوری و حاصل شد، برای کمک به گرسنگان آتیوبی صرف گردید.

حال ۲۰ سال از این ماجرا می‌گذرد و گلدوف بار دیگر دست به کار شده است. وی در آغاز هفته جاری، در کنفرانسی مطبوعاتی در لندن گفت: "هدف این بار فقط کاری نیک و جمع آوری اعانه و کمکهای خیریه نیست بلکه، احقاق عدالت سیاسی برای محرومان این جهان است." به عقیده او، وضعیت حاکم در کشورهای آفریقایی باید با تغییر سیاست کشورهای ثروتمند جهان بهبود یابد.

اما نگاهی بیاندازیم به پروژه Live Aid. این برنامه تاریخی مجموعاً پنج کنسرت را در برمی‌گیرد که قرار است حدود یک ماه دیگر، در روز شنبه دوم ماه ژوئیه برابر با یازدهم تیرماه در پنج شهر لندن، برلین، پاریس، رم و فیلادلفیا برگزار شود.

محل برگزاری کنسرت لندن هاید پارک این شهر می‌باشد و قرار است

بقیه در صفحه ۱۵

## نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حعفر بویه

زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو

اروپا معادل ۲۴ یورو

آمریکا و کانادا و سوئد ۳۶ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

## آدرس نبرد در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E:mail:nabard@iran-nabard.com

## چنگ خبر

اخبار روزانه را در چنگ بخوانید

www.jonge-khabar.com

## رویدادهای هنری

بقیه از صفحه ۱۴

که یکصد و پنجاه هزار بلیت این کنسرت از طریق قرعه به فروش رود چون شکی نیست که میزان درخواست به مراتب بیشتر از شمار بلیتها خواهد بود. در کنسرت لندن از جمله این هنرمندان سرشناس حضور خواهند داشت: Elton John, Dido, Mariah Carey, Robbie Williams, U2, Coldplay که صددرصد ترانه هایی از آلبوم جدیدش X & Y را اجرا خواهد کرد. شهر برلین هم میزبان یکی از این کنسرتها پنجگانه خواهد بود. در کنار گروه های صاحبنامی چون A-ha، طبیعتا گروه ها و هنرمندان زیادی از خود آلمان هم در این اجرای این پروژه حضور دارند، از جمله Peter Dinklage, Maffay، خواننده پرسابقه راک، Die Toten Hosen و همچنین گروه اسطوره ای BAP که برخاسته از شهر کلن آلمان است و ترانه هایش را به لهجه کلنی اجرا می کند.

همانگونه که اشاره شد، این پنج کنسرت تحت عنوان Live 8 برگزار می شود که اشاره ای است به همایش سالانه رهبران هشت کشور صنعتی جهان که قرار است چند روز بعد در اسکاتلند انجام گیرد. برگزارکنندگان این کنسرت قصد دارند که سیاستمداران را بیش از پیش زیر فشار قرار دهند تا آنان بیشتر به مسایل و مشکلات کشورهای آفریقایی توجه کنند. ریچارد کورتیس، یکی دست اندرکاران این پروژه در این مورد می گوید: "بخشیده شدن کامل قروض خارجی کشورهای فقیر، دوبرابر کردن میزان کمکهای عمرانی، اعطای کمکهای مالی حساب شده و دقیق بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار در سال و مهمتر از همه، حصول پیشرفت در گشایش بازارهای جهان با توجه به این اصل که کشورهای فقیر بتوانند طبق شرایط دلخواه در دادوستدها شرکت کنند، از مسایلی هستند که این پروژه به آنها توجه می دهد."

باب گلدوف نیز معتقد است که هشت کشور صنعتی جهان این قدرت را دارند که روند تاریخ را تغییر دهند اما آنان تنها زمانی به واقع وارد عمل خواهند شد که میلیونها انسان دست به اعتراض بزنند.

البته ماجرای پروژه Live 8 با برگزاری کنسرتهاى لندن، برلین، رم، پاریس و فیلادلفیا خاتمه نخواهد یافت و قرار است که رژه ای اعتراضی از لندن به اسکاتلند برنامه ریزی شود که میزبان برگزاری نشست رهبران هشت کشور صنعتی جهان است.

برگزار کنندگان این رژه امیدوارند که شرکت کنندگان در آن در حین این رژه طولانی بتوانند مردم بیشتری را با خود همراه کنند و در روز آغاز نشست مزبور هم وارد اسکاتلند شوند. باب گلدوف و یارانش به حضور بیش از یک میلیون نفر در این رژه اعتراضی امید بسته اند

انتشار منظومه کانون نویسندگان ایران در کشور هلند، سایت کتاب کاوه گوهرین، شاعر و پژوهشگر، از انتشار منظومه «کانون نویسندگان ایران» در کشور هلند خبر داد.

به گفته وی، این کتاب به رغم دو بار بررسی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موفق به گرفتن مجوز چاپ در کشور نشده است. گوهرین که این کتاب را سال گذشته به وزارت ارشاد سپرده بود، در این باره اظهار داشت: "بررسی کننده ها هر بار مخواستند بخشهایی از کتاب حذف شود اما پس از دو بار بررسی و ممیزی کتاب، سرانجام بهتر دیدم که کتاب به جای چاپ در ایران در جای دیگری منتشر شود. در نهایت به رغم این که حروفچینی کتاب به پایان رسیده بود و طرح روی جلد و بارکد ایران، آن نیز آماده بود، آن را برای چاپ به دوستانم در کشور هلند سپردم."

وی افزود: "آن چه در این کتاب آمده، مربوط به مسایل مبتلا به جامعه ایران بود و تحولات اخیر کانون را بررسی می کرد اما وزارت ارشاد به هر دلیل از صدور مجوز نشر کتاب طفره می رفت."

به گفته گوهرین، انتشارات "ژواک ایران" به مدیریت احمد انصاری، انتشار این کتاب را در شهر "المیره" کشور هلند به عهده گرفت.

## حذف "سنگ صبور" از مجموعه آثار "صادق چوبک"

کتابهای صادق چوبک در یک مجموعه، بدون "سنگ صبور" منتشر می شود.

ناشر این آثار در گفت و گو با خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، توضیح داد: "قرار بود کتابهای "سنگ صبور"، "روز اول قبر"، "انتبری که لوطی اش مرده بود"، "خمیه شب بازی"، "جراغ آخر" و "تنگسیر" چوبک را در یک مجموعه منتشر کنیم، اما از این سری، "سنگ صبور" چون حذیقاتش در ممیزی خیلی زیاد بود، آن را از فهرست انتشار کنار گذاشتیم. ضمن آنکه از این سری، "روز اول قبر" و "جراغ آخر" هم در وزارت ارشاد هستند که با آنها مشغول مکاتبه و مذاکره هستیم و احتمالا این کتابها بدون حذف فراوان منتشر می شوند."

## ای کشته که را کشتی؟

زینت میرهاشمی

بهزاد نبوی پنجشنبه ۱۹ خرداد، هنگام سخنرانی در مراسم تبلیغاتی معین توسط لباس شخصیها کتک خورده است. لباس شخصیها با گاز اشک آور به این مراسم یورش برده اند. بر اساس خبر خبرگزاری ایلنا، نیروهای انتظامی بعد از مدتها توانسته اند وی را که در جوی خیابان زیر دست و پای مهاجمان کتک می خورده است نجات دهند.

وی روز جمعه ۲۰ خرداد، در مقابل ساختمان وزارت کار در برابر خبرنگاران و روزنامه نگاران، کار احمد باطبی را تکرار کرد. وی لباس پاره شده خود را بر دست بلند کرده و به خبرنگاران نشان داد. البته احمد باطبی با انجام چنین کاری، دستگیر و به شکنجه کشیده شد. وی برای همین اقدام مدت ۱۵ سال محکوم شد. اما نیروهای انتظامی برای آقای نبوی لباس نویی خریدند و به وی دادند تا لباس پاره اش را عوض کند. آقای نبوی به خبرنگاران می گوید: «پس از انقلاب تاکنون چنین کتکی نخورده بودم و فقط ساواک این طوری مرا زده بود.» در پس همه این فریبکاریها این یکی را صادقانه گفته است. زیرا بعد از انقلاب و طی این ۲۵ سال، هنگامی که چماق به دستان به جوانان و نیروهای مخالف رژیم در خیابانها حمله می کردند و کتک می زدند، آقای نبوی از وابستگان به قدرت و از آمران آن جانیها بود.

با نزدیک شدن انتخابات نمایشی، شعارها رنگ و بوی فریبکارانه تری به خود گرفته است. در پس شعارهای فریبنده و در میدان تاترهای تبلیغاتی، این صحنه ها سوس آن را بیشتر می کند. مهم این است که نامزدهای این انتخابات همه در ساختار سیاسی و عقیدتی جمهوری اسلامی، متعهد و ملتزم به ولایت فقیه و قانون اساسی هستند.

تحریم انتخابات به یک سیاستی توده ای و فراگیر تبدیل شده است. بازی گرفته شدگان این نمایش، برای کشاندن مردم به صحنه راه چلهای خود را به کار می گیرند. این گونه کشمکشها و یا کتک خوردنها هیچ مشروعیتی برای آقای معین و حامیان وی و نیز این انتخابات غیر دموکراتیک به وجود نمی آورد. معین کاندیدای مشارکتها و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، این روزها سوس و پیاز داغ شعارهایش را حسابی زیاد کرده است. وی از «جبهه دموکراسی و حقوق بشر» صحبت می کند. به نزدیکان خود وعده و وعید داده و آنها را دعوت به سفره قدرت در صورت انتخاب شدن می کند. در ساختار این قدرت سیاسی قوانین اساسی جایی از چنین جبهه هایی نیست و این امر را خود آقای معین و نبوی کتک خورده به خوبی می دانند.

۲۱ خرداد ۸۴

# NABARD - E - KHALGH

No : 240 26.JUN. 2005 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Postfach 102001 / 50460 Koln / GERMANY

NABARD / P.O. Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

## تظاهرات با شکوه زنان

### برای برابری

زینت میرهاشمی



در پی فراخوان جنبش همبستگی زنان، روز یکشنبه ۲۲ خرداد، گردهمایی در برابر دانشگاه تهران انجام شد. علیرغم موانع پلیس، جمعیت کثیری از زنان خودشان را به محل تجمع رساندند.

پلیس با گذاشتن اتوبوس مانع پیوستن مردم به گردهمایی فوق شد. همچنین نیروهای انتظامی با خشونت مانع ورود خبرنگاران مرد و نیز مردان دیگر برای شرکت در این گردهمایی می شدند.

این تظاهرات در اعتراض به نقض حقوق زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی صورت گرفته و شرکت کنندگان خواهان رفع تبعیض جنسی شدند. این گردهمایی همراه با سخنرانی تعدادی از فعالان جنبش زنان و نیز شعارهایی علیه استبداد و ارائه قطعنامه به پایان رسید. یکی از مواد قطعنامه پایانی این گردهمایی که با عبارت «دموکراسی بدون آزادی و حقوق برابر محقق نخواهد شد، آغاز شده چنین است: «قانون اساسی و دیگر قوانین کشور با کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله اعلامیه حقوق بشر، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و... منطبق شود تا لاقفل به لحاظ حقوقی، تساوی و برابری زنان و حقوق انسانی‌شان به رسمیت شناخته شود.»

در خیابانهای اطراف انقلاب مردمی که نتوانسته بودند به گردهمایی زنان بیوندند دست به تظاهرات زدند. شعارهای این تظاهرات «زندانی سیاسی آزاد باید گردد، تحریم انتخابات، آزادی اندیشه با انتخابات نمیشه» بود. نیروهای پلیس به مردم یورش برده و تعدادی را دستگیر

نمودند. در پایان گردهمایی زنان تظاهرات اعتراضی در خیابانهای اطراف دانشگاه و انقلاب انجام دادند که با یورش نیروهای انتظامی روبرو شد.

تبعیض و ستم جنسی که بر زنان ایران اعمال می شود، در پناه قوانین ضد زن در قانون اساسی، مدنی و جزایی رژیم، هر چه بیشتر نهادینه شده است. این ستم از محیط خانواده و از اعضای مذکر خانواده شروع شده و به جامعه ختم می شود. زن به مثابه ملک و ایزاری از خانواده در اختیار رئیس خانواده که مرد است قرار دارد. خانواده امری مقدس و به عنوان واحد جامعه جای دارد. از آن جایی که ریاست خانواده با مرد است، زن به عنوان موجودی دست دوم در جامعه معرفی می شود. تبعیض در جامعه از همین جا شکلی قانونی به خود می گیرد. جنبش زنان دستاوردهای متفاوتی در سراسر جهان داشته است. راهی از ستم جنسی در کشورهای مختلف متفاوت است. در ایران، افکار ارتجاعی ضد زن، عقب افتاده ترین فرهنگ و رفتار در پناه انگاره های مردسالارانه جمهوری اسلامی رشد و نمو کرده است. تمام مواردی که به حقوق زنان در قوانین اساسی، جزایی و مدنی جمهوری اسلامی بر می گردد، علیه زنان و نقض حقوق بشر است.

این قوانین به همه ستمی که در خانواده و جامعه می شود مشروعیت می بخشد. به همین دلیل با تکیه به این قوانین، قتل‌های ناموسی، شکنجه و آزار زنان افزایش داشته است. این افزایش با توجه به یافته های تحقیقی و آماری در این ۲۵ سال چنان گسترش یافته است که می توان از آن به عنوان یک فاجعه ضد بشری نام برد.

در واکنش به این ستم و حمایت قانونی از ستم کنندگان، زنان به ناچار خود مدافعان خود می شوند. افزایش شمار زنانی که دست به قتل می زنند، حیرت آور است. این آمار اصلا قابل مقایسه با کشورهای اروپایی و حتی کشورهای عقب افتاده نیست. افزایش دختران فراری، زنان خیابانی، زنان بزهکار همه واکنشی در مقابل این ستم جنسی است.

سرپرست معاونت اجتماعی نیروی انتظامی در گفتگویی با خبرنگاری کار ایران روز سه شنبه ۱۷ خرداد به رشد بزهکاری زنان، افزایش فقر در زنان اشاره می کند. توحید عبدی یکی از علت‌های زنانه شدن فقر را افزایش حضور زنان در عرصه های اجتماعی می داند. وی می گوید «طی ۲۵ سال گذشته این حضور هزار برابر شده است.» همچنین وی به افزایش «بین ۸ تا ۹ درصد جرم و بزهکاری» در زنان اشاره می کند. این کارگزار رژیم این افزایش فقر و افزایش جرم و بزهکاری را نتیجه مستقیم حضور زنان در جامعه دانسته و بدین وسیله افکار ارتجاعی برگشت زنان به خانه را تقویت می کند. در حالی که این افزایش نشانه وضعیت بحرانی زنان در جامعه است. این پدیده یازتاب آسیب‌های اجتماعی و هنجارهایی است که در پناه قوانین به زنان وارد می شود. حقوق زنان در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی هیچگاه رعایت نخواهد شد بلکه هر چه نهادینه تر خواهد شد. زنان با حضور انبوه خود در مدار علمی و تحصیلات عالی با دیوار عظیم ساختارهای قدرت مردسالارانه روبرو هستند که نمی توانند این حضور را به نقطه ای مثبتی در جهت رفع ستم جنسی برسانند. بهبود وضعیت زنان تنها و فقط در حذف این قوانین می تواند چشم اندازه‌های روشن داشته باشد.

۲۳ خرداد

### شهادای فدایی

#### تیرماه

رقفا: محمدکاظم غبرایی - بهمن راست خدیو -

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم